

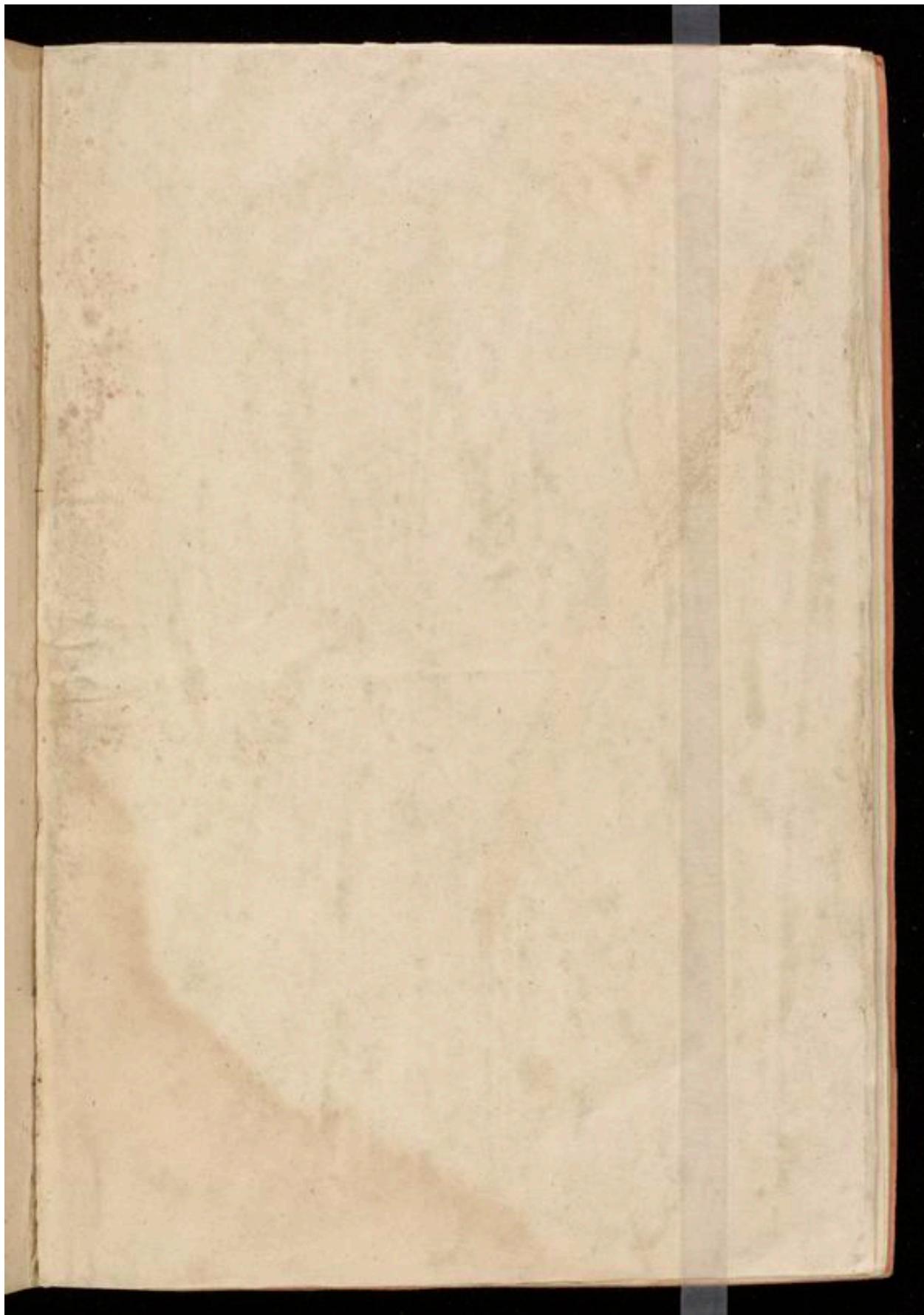
محرر و ناشر فضل حمدانغان

۲۰۰

# یادداشت یک سافر

Ketabton.com

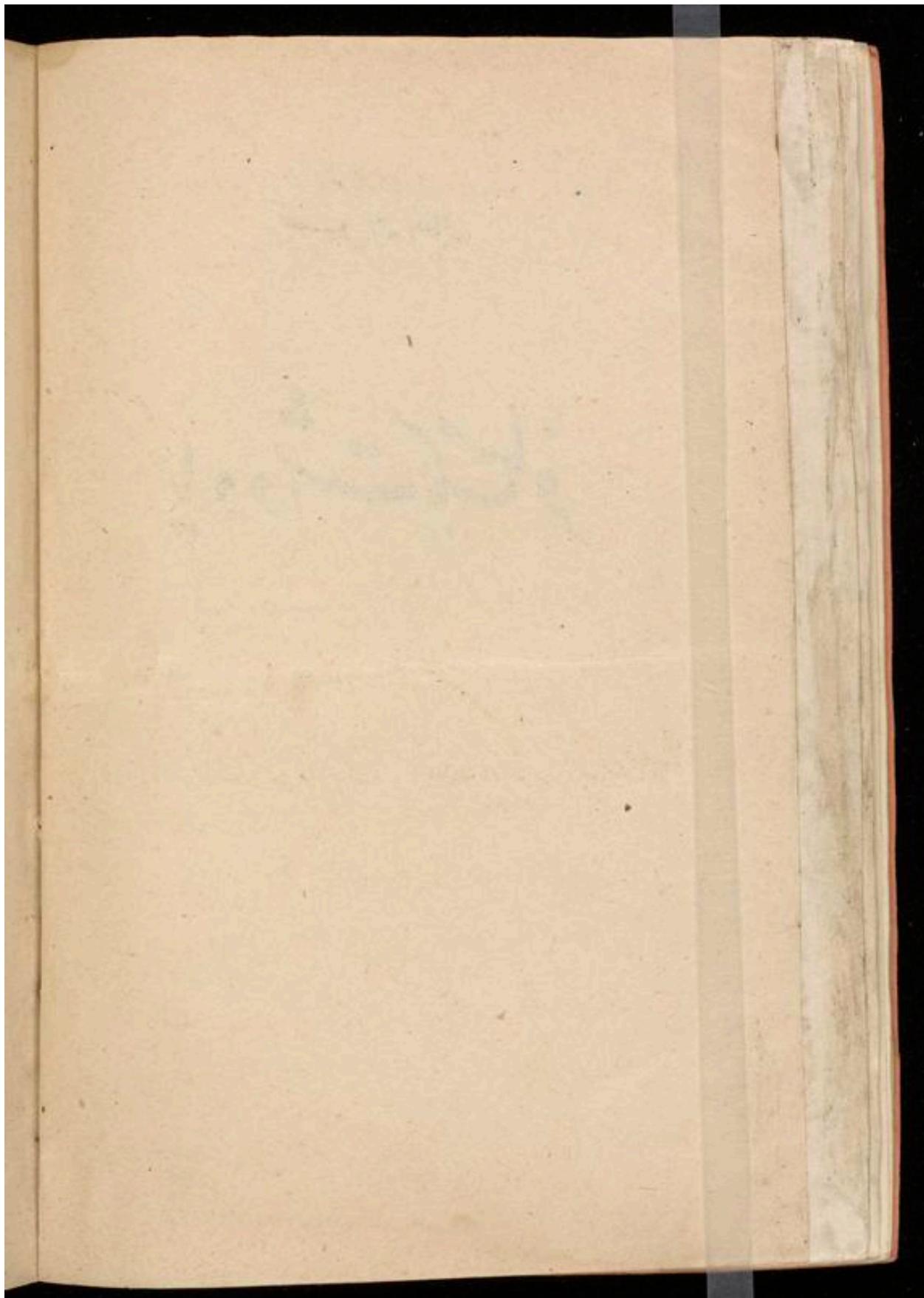
برلین - ۱۹۲۹



ناشر و محرر:  
فضل احمد افغان

# یادداشت یک ساز

درباره مرگ داشت مردم تاجیک، انقلاب اوکنایر، و جمهورت جهانی



## کیم چند سخن از طرف نویسنده

سی سال پیش از این من از مملکت خود از افغانستان  
بنجک توکستان روسی ہجرت کردم سالهای دراز در شهر باشی  
بنخرا سمرقند خوقند و حصار شادمان زندگانی کردم.

در این دست تبدلات عجیبی در این مملکت روی داد باشندگان  
این سرزمین بسیار روز بای تاریخی عبرت انگیز را از سرخود گزدیدند  
اگر با دیده دقت و عبرت در سرگزدشت این مردم نگه کنیم چیزی همیشی  
که آموختن و عبرت گرفتن ممکن است در آن بسیار است.

معلوم است که طرز زندگانی، محیط اجتماعی وطن من حتی ایران  
و هندوستان هم با حالت پیش از انقلاب وین مردم خیلی  
مشابه است و یکنیکی دارد.

معلوم است که گروهی از باشندگان مردم ایران، افغانستان  
و هندوستان هم در راه آزادی و ترقی وطن خود کار میکنند

راه های بجایی، در مانع ها و مشکل های رو برو میابند که مردم کوشا  
این حمه را از سر خود گذرا نمیدهند، برای این ها آن احوال از مر  
گذشت تاریخی، خاطره های تاریخی شماریده میشود.

معلوم است که، مردم ایران و قفستان و هندوستان  
از زندگانی مملکت شورایی آنچه راست و حقیقت است کمتر شنیده  
هر چه شنیده اند. خوانده اند از زبان اهل غرض شنیده اند  
از قلم اهل غرض خوانده اند.

من لازم داشتم که، برادران هموطن و هم زبان خود را.  
از حقیقت حال و گذشت زندگانی مردم این مملکت خالصان  
آگاهی دهم، آنچه دیده ام فواز احوال این مملکت آنچه داشتم  
با زبان ساده و درون پا نهادم.

در این رساله مرگذشت مردم جمهوریت شورایی تاجیکستان را  
خواهی نوشت؛ تصویر نودن هرگذشت تاجیکان را از آن جهت  
اختسیار نمودم که، این جمهوریت به عنان نزدیکتر است از مردم  
تاجیک با اهمیت و هم زبان اند، آشنائی و شناختی

ما با تاجیکستان چون آشنائی دو برادری است:

که در گاه از یکدیگر دور افتاده، باز یکدیگر را یافته‌اند

آب اگر صد پاره گردد باز با هم آشنا است.

جمهوریت هم زبان ما تاجیکستان با دولت های افغانستان

و خطا همای دهم حدود است، کوهستان بخشان چهارین

با اندک فاصله بخاک هند میرسد. قسم جنوبی تاجیکستان که

ولادت های حصار شادمان، قبادیان، قورغان تپه، کولاب،

قریگین را شامل است، در زمان گذشته حصه های جنوب شرقی

امارت بخارا را تشکیل مینمود

قسم شمالی تاجیکستان عبارت است از ولایت های خجند، اورا

پچکت، که جزو تورستان روسی و تابع حکومت امپراطوری روس

بود.

مردم جمهوریت تاجیکستان دوره های حکومت امارت بخارا و

حاکمیت امپراطوری روس را از مرخود گذرانیده‌اند؛ در این سر

زمین مبارزه های خونین انقلاب و عکس انقلاب در گاه دوام نمود.

۶

این مردم در راه انقلاب و آزادی خود مبارزه ها کردهند؛  
سخنها کشیدند، آخر بطفت رسانیدند حکومت شورای  
رجبری خود را برپا کردند.

رجبران تاجیکستان در مت انگل به کامیابی های خلی  
بزرگ اقتصادی مدنی و سیاسی رسانیدند در مت پنج سال  
آخری زندگانی جمهوریت تاجیکستان آنقدر تغیر یافته است  
که بدون انقلاب این مرحله را به صد سال طی کردن و گذشتن  
شان ممکن نبود.

برای عترت و آگاهی خواسته گان دوره های سرگذشت  
مردم تاجیکستان را بقسم های علیحده تقسیم مینایم و هر کدام  
را جد اگانه بطرق خصار عرض می کنیم.

## اصول حاکمیت امیران بخارا و زندگانی عیت در زمان

از یک میلیون نفوس جمهوریت تاجیکستان قریب شش  
صد هزار کس در زمان گذشته در زیر حکومت امیران بخارا  
زندگانی می‌سکردند.

بواسطه حاکم‌های دلایت‌ها، قاضی‌ها، نویس‌ها، املاک‌ها  
میراث‌ها، امیر حاکمیت خود را اجرا مینمودند؛ و بواسطه این تشکیلات  
حکومتی، از حاصل رنج و سری مردم باسم و سرم خراج املاک،  
زکات وغیره هرجیزی که گرفتن ممکن بود می‌گرفت، و در راه آبادی  
ترقی اقتصادی و مدنی این سرزمین از آن داخل پنج یک خرچ  
نمی‌سکرد.

قسم بسیار زمین‌های کشت مملکت را «املاک»، «ملک سلطنه»  
نام نهاده ملک امیر می‌شماریدند. اگر زمین آبیاری شده باشد  
پنج یک، اگر کشت علمی با آب باران کشته شده باشد  
ده یک حاصل راحت خزینه امیر قرار میدادند. اما این قاعده

۸

بنج یک دده یک بنام بود، و حقیقت نصف و گاهای میش از  
 نصف حاصل و همان رنج بر را املاکدار ہا مأمور ہائی، میر میگفتند  
 حاصل کشت هر یک دهقان را جدا گانه تخلین میکردند هر چا  
 که وہ من حاصل است بست من و سی من تخلین میکردند  
 داز روی آن تخلین و قرار ناحی حصہ خراج را می طلب پسند  
 و میگرفتند.

بعض اخراج املاک چند خانواده دهقان امیر احکم ولایت ہیکی  
 از منصب داران یا ملاک پاشی شیخ می بخشید و حواله مینمود که خود  
 او بی داسطه استفاده نماید نام آن بخشش را منتخوا  
 میگفتند صاحب تخلیه ہر قدر که میتوانست از حاصل دهقان  
 زیاده تر میگرفت دهقان و هائله او را چون فلام دکنی کا میغیرد  
 شکایت ودادخواہی دهقان به کسی نیپرسید.

در جمع آوری خواجه املاک وزکات و دیگر عایالت  
 غیر از مأمور ہائی رسمی امیر زمینداران و مال چارپا داران کلائیں  
 مردم دولتمند صاحب نفوذ ہمراہی میکردند ہر کس کے ناقوان ترا

۸

از او بسیار تر میگرفتند . هر کس که تو انا و صاحب اعتماد است  
از او کتر میگرفتند .

در تجربه این اصول مالیات فقر و فاقه رعایت سال از سال  
زیاده تر و سخت تر میگردید . برای این نمودن مالیات طاقت  
فرساد فرد ضدن زمین با خانه ها حتی زن و فرزند رعایت فقیر چون یک  
امر خادم شماریده میشده . پس کس در این باره تعجب نمیگردد .

از سبب گرانی خراج و تنگی زندگانی بسیار دلخواه نما  
محجور میگردید که از دولتمردان شهر و دهه قرض بگیرند تزریل باید  
و همه ، در اثر گرانی خراج و تزریل دادن بسیار ناچار زمین را  
خانه های خود را بصاحب دولتان شهر و دهه میفرمودند . با این  
رواه بهترین زمین های مملکت بدست دولتمردان شهر و دهه جمع  
میگردید و شمار دلخوان بی زمین سال از سال میافزود .

فاضیها همچ یک مرافقه را بدون گرفتن رشوت با خبر نمیرسانیده  
بزرگ حق و عدالت اندازه رشوت بود هر کس که بسیار تر رشوت  
دهد ، حکم بحیث اوقار می یافتد .

۱۰

پرگاه دوکس یکی دولتند و دیگر فیقر یکی صاحب اعتبار دیگر رعیت  
بی اعتبار در زد قاضی میاً مدنده حکم در فایده دولتند صاحب اعتبار  
قرار محی یافت عرض داد و فیقر بی اعتبار بجای نمیرسید.  
میرشب ها که گویا کفیل و متقصدی امنیت و تنظام محلات بودند،  
حمد ویرانی و نا درا را هم برپوند.

جو انجحای امرد، فاحشه های مشهور در زدهای نامی را چون جز  
تشکیلات اداره خود نگ مید استند از آنها استفاده میکرد  
قمارخانه در تحت حمایه میرشب ها بودند.

فاحشه ها در جوانحای امرد را با شهادت نامه های مخصوص در مجلس  
های عیش و عشرت میفرستادند با ندازه حسن و حمال آنها از  
صاحب بزم ببلغ معینی میگرفتند.

جایحایی که برای ایستادن نائب های میرشب ها تأسیس  
یافته بود "پایی طوق" ها جای با امنیت قمار باز ها بود، در "پایی طوق"  
ها شبها دروزهای قمار محی باختند؛ از برد ها بمرشب حصه معینی  
میدادند، در زدهای نامی شهرها و دهنه های نیز در حمایت میرشبها بود.

از کار آنها میرشب با حصه میگرفتند. هرگاه درد، خانه را غارت کند صاحب خانه بمرشب مراجعت نماید، میرشب از قریان و خویشاوندان صاحب خانه چندی را به زدی متهم میکرد، بجای میگرفت آخر صاحب خانه مبلغ بسیاری بمرشب میداد آن بیننا ها را از پنجه میرشب خلاص میکرد، دردان حقیقی با آزادی به کار خود دوام مینمودند.

حاکم های ولایتها هر سال یک بار حساب ولایت را بهتر تقدیم میکردند چنینی که ولایته به زندگانی مردم ولایت است از حاکمان بیخ نمی پرسیدند.

ترقی خواجه گی و مقانی درستی راه ها تعمیم معارف تندرستی عامله این همه جله هایی است که در دربار امیر کسی نمی پرسید؛ کسی نمی شنید. حساب رسمی حاکم های ولایتها تنها از یک مسئله عبارت بود. «حاکم ولایت، از درآمد سالانه ولایت با امیر چه مبلغ و چه قدر پول آورده است».

هر سلبنی که حاکم ولایت تقدیم نماید، باید از آن مبلغی که حاکم

۱۶

سابق چون در امد سالانه دلایت با میر داده بود بیشتر باشد  
کمی حاصل . خشک سالی .. بی آب مادن کشت با درنظر اعصار  
گرفته نمی شد .

هیچ کیک از نامورهای حکومت ایران خوبیه همیسر معاشر داشت  
، هیانه نمیگرفتند . هر کدام در امد خود را از رعیت از فرا  
میستادند . هر کیک از نامورهای که پنصبی میرسیدند مثل  
حاکمها ، املاکدارها ، قاضیها ، میسوسها ، میرشبها ، مفیضها بهتر  
خود را تقدیم میکردند . هر کیک با اندازه منصب خود با میر مبلغی میداد  
این همه حکام و نامورین دولت و علما کرام نوبت بروت دفترها  
پسرهای امر دخود را چون خنده غلامی با میر تقدیم مینمودند . حتی از  
تقدیم نمودن زنهای خود نیز ابا نمیگردند .

بایی تعیین نمودن حاکمها ، قاضیها ، مفیضها و دیگر نامورهای دولتی  
علوم دیافت . آنها در نظر علتبار گرفته نمی شد . تقدیم نمودن دختر  
د پسرهای فهادت جمال اند بنزگترین دیافت ها محسوب بود . هر کس که  
در این کار میشیزدم بود ، منصب و درجه مبنده تر با صاحب بود .

۱۳۶

بسیاری از علماً دین و نامورین دولت با همین راه چه بجهة

باشی پنهان میرسیدند.

پرای منصب پاکی بلند رسیدن ناموران دولت در بسیار

جایها زنها دختر، پسرها رعیت را بذور حیگر فتنه، باز پیغام

میگردند، نه امیر نه حاکمان ولایت ها هدایات طلسم و بیدار ناموران

دولت شکایت رعیت را گئی شخیزند و ادخواهان را هخواگرد

غساد پیشه شماریده با ضرب دولت از از بار خود میراندند.

علماً دین هم با حکومت داران امیر جزو کیک درن بودند. و

سایه حنایت امیر موقع اقتصادی علماً دین، نیکوتامین میگردید.

بسیار زمین های زراعت، بازارها، دوکان ها، سرای های

ملک او قاف بود. آنهم در این علماً دین امیرسیده. قسم مهم

حاصل زمین های او قاف را با بررسی ناموران امیر علماً دین یگرفتند.

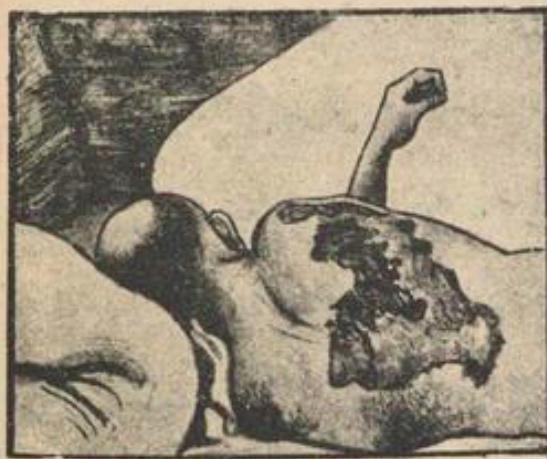
امیر و نامورانش به راه دوستیله داخل علما را میافرودند.

خلیل منصب های پر درآمد بزمراه علما شخصیض گردیده بود. دو شنبه

هر منصب و نیعین های بست امیر تمرکز یافته بود؛ حتی تعیین کردن

۱۴

مُؤْذنها، امامهاي محله با، محصوره خوان هاي سرقبره داسته برضاهي  
 امير بود. از علاماهي دين هر كيک که رضا و خوشنوادي امير را در يام منصب  
 پر درآمد نصیب او بود. قاضيگي شهر بخارا که سالانه پنج صد هزار روبل  
 طلا درآمد داشت، قاضيگي چار جوي و قرشى که هر كيک صد هزار روبل  
 سالانه درآمد داشت. از جمله منصب هاي بود که بزميه علما تخصيص گردیده  
 عل خود را شرکيک دولت و خزنيمه امير ميداشته، از درآمد امير بهره مند برگردان  
 بنا بر اين همه کار و فعال امير و مأموران از موافق شرعيت و فرموده خدا و رسول ميلگفتند  
 نوشت از دحش ایت هاي امير بخارا



كيمی وزانهای که بتعالي استبداد امير قیام نمودند و جلد ادن امير ادرابین  
 حال رسانیدند و از جان شيرش جده آوردند.

بخلاف امیر و حکومت او چیزی گوید او را بین د کافر میشما ریند.  
حکومت امیر زمرة علماء را چون یک تشکیلات تنظیم تبلیغات  
تشویقات در بین عامه مردم استفاده مینمود.

در آن زمان فاسق ترین مردم علمای دین بودند؛ مدرسه های جای  
شراب خوری، جوان بازی، فاحشه بازی بود. ملاجعه های فقره  
و ناتوان که از سبب های حقیقی بمنصب رسیدن بی خبر بودند  
و از آن رذالت های دربارین دور بودند، هر قدر که میخواهند  
میدانند بجا یی نماین رسیدند و منصبی را صاحب نمیگردیدند.  
ناچار خواندن را ترک میکردند.

آخر کار بجا یی رسید که اعتبار داشتن و صاحب علم بودن  
از میان رفت؛ بسیار مفتی ها، قاضیها، حاکمهای ولایت های  
لی سوار بودند.

در نتیجه این اساس وصول حکومت داری بدست مأمور های  
دولتی و علمای دین مبلغه های کلان جمع شد. بهترین زینهها،  
باغها، سرای ها، دوکانهای مملکت ملک امراء علماء بود، این

دو زمرة دولتمند ترین صنف مملکت بودند.

بعد از جنگ آخری ۱۲۸۵ هجری درین حکومت به پراطوری روس  
و امیر مظفر و تابع شدن بخارا بر دسیمه در سیدن راه آهن در بخارا  
کار تجارت مین رو دسیمه و بخارا بازدودی ترقی کرد. امیر امراء علما  
 بواسطه تجارها نیز تجارت میکردند. بسیاری از تجارها بخارا  
با سرمایه امراء علما کار میکردند و با آنها قریب بودند.

سلطان دسیمه به پراطوری نمکانی مخبران بخارا پریشان ترکد  
چونکه امیران بخارا بطریق تحنه، پهیه هرسال بدر بار پادشاه روس  
و مأموران ادبیخانه های کلی فقدم مینمودند. آنهمه را نیز از رعیت  
میستایندند. زندگانی رعیت تنگ تر و سخت میگردید.

در آن زمان از عالم و مدنیت درین مردم نام و نشانی نداشت. در نام  
امارت بخارا از اهالی مملکت یک نفر دوکتور یا مهندس سی یا عالم علم  
زراعت یا داشته باشد علم حساب یا مورخ یا فتن ممکن نبود. مدرسه های  
مملکت بجز زیاده کردن شماره هدایاتی بی سعاد، فاسق و گیر خدمتی  
نمیگردند.

۱۷

در باره براه ماندن کارهای قندرستی عامله حکومت امیرخان  
 یک اقدامی نمیکرد، خسته‌گی های میگذشتندگی در مین مردم تعییم  
 میباشد. باشندگان بسیار دهه بر پر زخم مستله یادگار  
 دردها درد مند بودند، کوکائان ملکت اسباب بخودن طبیب داشته  
 ددو اچون مور و ملخ میمودند.

دنهه‌های که سی چهل سال پیش از این صد خانه وار باشند  
 داشت، در عرفه نقلاب بخوار دوسته ۱۳۲۹ هجری بجای صد خانه وار داشت  
 سی، بیست یاده خانه وار مردم بود. زندگانی مردم دهقان  
 کارهای دهقانی سال از سال بخرابی میکشد. جو یهایی که بخواه  
 یا صد سال پیش از این آب و دان داشت در کنار آن کشت ها  
 دنهه‌ها موجود بود، خشک و بی آب مانده بود. از کشت ها، دنهه  
 اثر و نشانی نمانده بود.

یعنی فقر امید استند که، این دنهه خرابی و تگی باز اثر ظلم حکومت  
 ایم است، ما برای مقابله کردن خود را ضعیف و ناتوان می‌پیدیم  
 علمای دین همیشه نلیخ دشوبن میکرند که اطاعت پادشاه حیث

ترک امر و فرمانش موجب گنه کاری است.

عامه بی سواد فریفته سخن های علمای دین بودند. از طرف دیگر راه مبارزه راه نجات را بروی خود بسته میدیدند، میدانستند که امراء علماء کسان صاحب نفوذ شهر و دهه بهم پیوسته اند، بهم یکجنت اند. بخلاف این زمرة رعیت ضرایی فقیر از هم گیری خبری تشکیلات مانده نمیدانست که چه کار کند، راز دل خود را که گوید، هرگاه از تنگی و سختی زندگانی مردم یک دهه قدم بشورش گذاشتند مردم دیگر دهه از آنها بی خبر بودند، نادست و تدبیر مردم صاحب نفوذ و دولتمردان شور و قیام رنجبران ظلم دیده خاموش شدند، حبور ترین قیام کرده گان را چون گنه کار بدبست حکومت می سپاریدند. مردم میدانستند که هرگاه بجهالت داران امیر غالب آیند حکومت امیر اطهوری رو سس، امیر احایت خواهد کرد بمقابل حکومت امیر اطهوری تقدرت و توانایی مقابلت کردن را داران نداشتند تاریخ اسلام ۱۹۲۷ء میلادی یعنی در ۱۳۴۸هجری تمام مردم بجا را و باشندگان قسم جنوبي جمهوري تاجیکستان امروز بهین حال ریستند، در نیجہ انقلاب اوکته

۱۹

دافتادن امیرخوارا باشندگان این مملکت زندگانی نورا دارا  
گردیدند .

اصول اداره حکومت ایپراطوری روسیه زندگانی  
مردم تورستان روس در آن زمان

قسی از مردم تاجیکستان باشندگان سمت شمالی آن که دیگر  
های خجند، او را تپه، پنجگشت را شامل است و مردم شرقی پا امیر در زمان  
گذشته در زیر تابعیت حکومت ایپراطوری روسیه بودند و این  
جاها داخل تورستان روسی بود.

حکومت ایپراطوری بخارا و خیوه را بواسطه امیرخوارا و خان خیوه  
اداره میکرد بقیه خاک تورستان را بی واسطه خود اداره مینمود  
چنانکه اینگونه شکل اداره بواسطه و بیواسطه از طرف دولت انگلیس  
هنوز در هندوستان معمول است .

حکومت ایپراطوری مردم تورستان را چون ملت غیر روس

٢٠

بیگانه میشاید. سیاستی که حکومت امپراطوری در تورستان  
تطبیق مینمود هینا مثل همان سیاستی است که هنوز دولتمایی غالب  
و تسلط یافته در مستملکه های خود در باجه ملت های محکوم تطیق  
میکنند.

حکومت امپراطوری در راه ترقی و انتشار اقتصادی و مدنی  
مردم تورستان بسیج یک اقدامی نمیکرد. در کشادن مکنها، مردم  
با تعمیر محارف بسیج مردمی نمودند، بلکه اقداماتی که مردم تورستان  
در این راه میگردند، از طرف حکومت و چارمانهها مشکل های بزرگی  
حکومت امپراطوری تورستان را چون منبع مال خام میشنا  
و از این راه از تورستان استفاده مینمودند، در تأسیس مناجعت دکار خانه  
که مال خام جلدت را کار کند قابل استعمال نماید مناجعت میگردد، از این آت که  
در حدت پنجاه سال بگشت امپراطوری رسیده کار صناعت در خاک تورستان  
غرق نکرد، کار خانه هایی بوجود آمد، با آه صافی بودن، مال خام خدست میگردند.  
مردم تورستان در کارهای اداره و طحن خود بسیج یک حق و نهضتیاری نیستند.  
نه ناموت های معهوری بسیاری و بکثیری درست نمودند از رسیده حکومت

همپرا طوری بود . اندرم مردم تورستان قاضیها دنایب پسیں با تعیین میکردند که  
 و زین مردم چون جا سو سان حکومت معروف بودند و مرد این راه خدمت میکردند .  
 در زمان حاکمیت همپرا طوری در خاک تورستان بعض وسائل ترقی فضاد  
 و عدنی نیز فراهم آمد ، اما اصول حاکمیت همپرا طوری و مکان نماید که آن را  
 با مرد راه ترقی مردم تورستان خصوصاً قسم رنجیران خدمت نماید . و آن  
 در تورستان خط های راه هم کشیده شد ، پوچند و میگراف آسیس یافت  
 و اینها می قابل دست کرده شد ، بانکها ، تجارت خانه های اسپن فتح شدند های  
 بد یافت ، محله های عدیمه شکل گردید . این عده وسائل بزرگی استحکام حاکمیت دوستیان  
 خدمت میکرد بسطه این وسائل عدنی هردم تورستان را بهتر و شناخت میکردند و عالی  
 و سعی این مردم را با آسانی از دست پستان میگرفتند و میبراند . در تورستان کشت پنبه ترمه  
 کرد ، و هنفعت و نفعی کیست کشت تغییر و دوستیان بود . و فتحجه سیاستی که در آن زمان  
 بود زینهای کشت از دست دهستانها فقر برپت دوستیان میگذشت بشمار دهستان  
 بی زین فقر سال از سال عصای فرود . حکومت همپرا طوری صدم هزار دهستان را زوال  
 رو سید تورستان کو چانید ، زینهای خوب مردم تورستان را باز در ظلم گرفت  
 بهما جان از رد سیده مده داده خواست که با این راه از مهاجران بر ای قدر

۲۲

نکیه گاهی داشته باشد، در تورستان طرفداران صادق چنول  
حاکیت ایپراطوری بوجود آیه.

در نتیجه این سیاست حکومت ایپراطوری احوال مردم تور  
خصوصاً زندگانی قسم رنجبر این مردم به تروخاب ترشد. از ترقی  
و آبادی مملکت بعامه مردم پیچ نفعی نرسید، بلی سعادی و جمال  
عامه کم نشد، مکاتب، مدارس و مطبوعات مردم تورستان ترکی  
از سیاست حکومت ایپراطوری عامه مردم نارضا بودند، آنها  
قیام و مبارزه بودند. در سنه ۱۹۱۶ میلادی یعنی در سنه ۱۳۲۶ هجری

قیام و مقابله ہم کردند. حکومت ایپراطوری با ضرب توپ تفگی قیام را خاموش  
و مردم شورند را مغلوب کرد.

در تورستان گروهی بودند که بحکومت ایپراطوری با صداقت  
خدمت میکردند و طرفداری میکردند، این گروه قلیل از علمای دین،  
زمین داران بزرگ و دولتشهان عبارت بودند، حکومت ہم بھراؤ  
و دستیله این گروه را حمایت میکرد.

از سیاست و اداره حکومت ایپراطوری نہ تنها عامه رنجبر

۲۲



در زمان حکومت امپراتوری روسیه زندگانی سرمهان ترکستان

گردی از سلامان ترکستان که بجهد مکونت این پسر امیر امیری دستور داد که علم اعلیٰ را پیش از پیشنهاد پر کنند و شنید.

۹۲

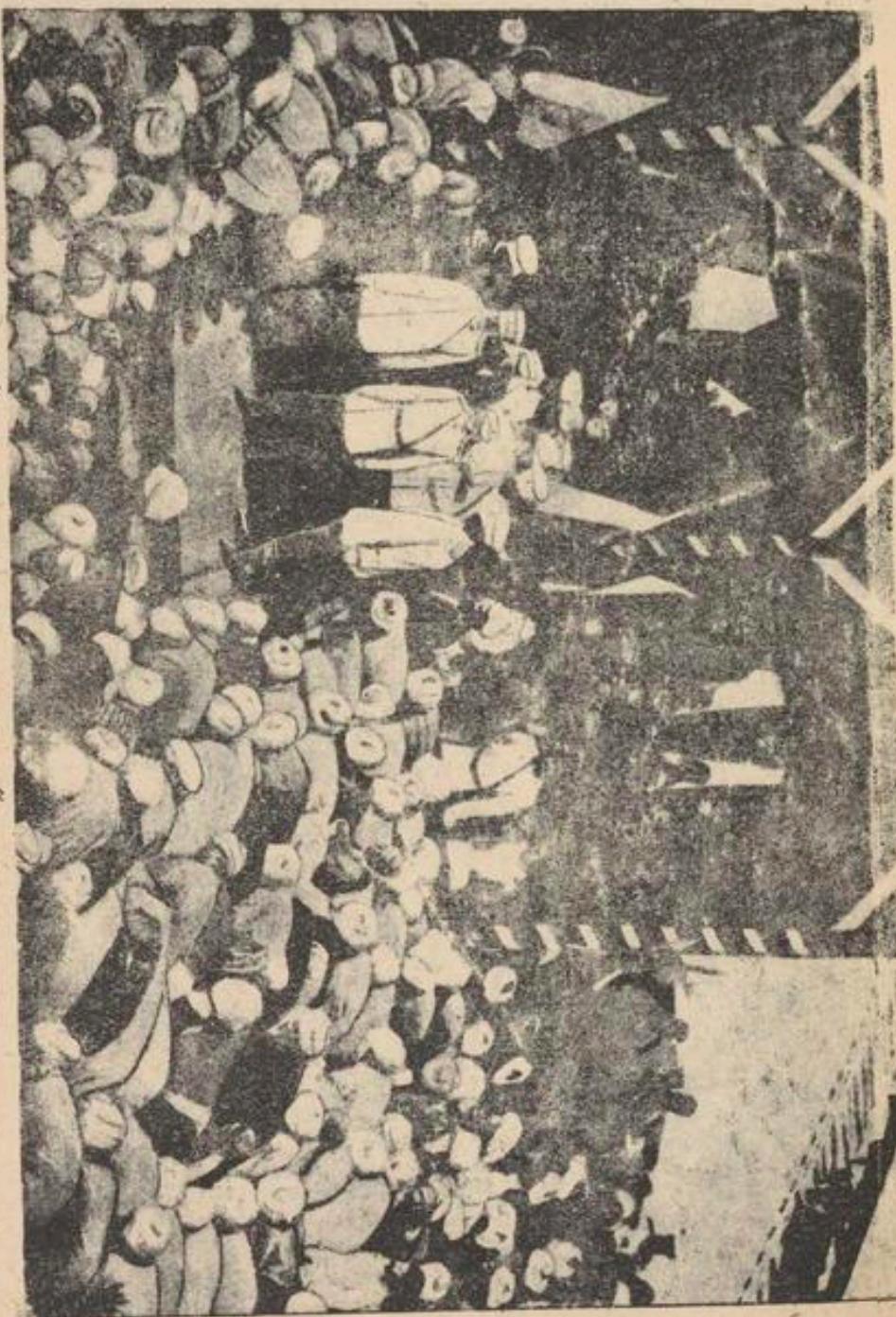
تُركستان نارضا بودند . بلکه اکثر مردم روسيه هم از حکومت خود  
نارضا و حکومت خود دشمن بودند . چونکه حکومت ايمپراطوری در همه  
کار و سياست خود متفق نبود و لتندا ان را مقدم ميشماريد و  
بسیاری از مأموران بزرگ حکومتی ، خود صاحب زمین بسیار ، کار  
خانه ها ، بانک ها و تجارت خانه ها بودند .

صنف سنجیر مملکت ، مرد کار کار خانه ها ، فابریک ها و دهقانها  
فقر باختنی زندگانی میکردند . از همه حقوقهاي سیاسی و دینی

و اقتصادی محروم بودند

اصحول مالیات خراج ، تجارت ، صناعت ، کارهای زرعیت  
معارف ، عدليه ، نظریه همه کار مملکت چنان اداره کرده می شد که  
مردم دولتند از آنها نیکو استفاده نمیکردند . صنف سنجیر پعیت  
فقر را از آنها نصیب خیری نمود . بنا برین از دورگاه درین دولتند و  
فقران روسيه مبارزه صنفی دوام مینمود .

وقتا که در روسيه صناعت ترقی نموده بود ، صنف مرد کار ، کار  
گران کار خانه ها فابریک ها هموز بوجود نیا مده بودند .



کی از راه را دی سوز سیاگی که ردم کرست از ریزان گفت اینجا کنید

۲۶

سازه صنفی درین دولتمدان ، زمینداران و دهقانان فقر و دام  
میکرد . تاریخ روسیه از شورش و عصیانها کی دهقانها کی فقر  
پرست . ازان جست که دهقانها صاحب تشکیلات منظم نبودند  
همیش مغلوب میگردیدند .

هشتاد و هفتاد سال پیش از این کار صناعت بنادر دنیا  
با کارخانه های در روسیه رو بر قی شناور و عدد مرد کارهای کارخانه  
با بازودی ترقی کرد ، مرد کارهای کارخانه دوازده ، چارده حتی  
۱۷ ساعت کار میکردند ، مزد کم میگرفتند ، برای گذرانی زندگانی  
پیشان کفایت نمیکرد ، هرگاه کار را ترک کنند بیبودی احوال  
خود را طلب نمایند . بازور و ظلم حکومت آنها را بکار کردن مجبور نمیبودند  
حکومت منفعت و خیریت صاحبان کارخانه را همیشه مقدم میشارید  
و عرض و داد مزدور کارگران را نمیشنید . و شمنی و خصومت  
کارگرها در حق حکومت روز از روز سیا فزود .

بنگی زندگانی ظلم حکومت و دولتمدان صنف کارگر را در راه  
عصیان و انقلاب انداحت سی چهل سال پیش از این مرد کارها

تشکیلات های مخفی انقلابی خود را بوجود آوردند. مرد کارهایی که در کارخانه ها کار میکردند. هزار ده هزار و پیش از این در یکجا جمع شدند. جمعیت های بزرگ تشکیل میکردند. بنابرین با یکدیگر علاقه کردن، مشورت کردن تشکیلاتها بوجود آوردند ایشان نسبت به مقاومان خیلی آسان بود.

با راهبری تشکیلات مرد کارها در میان ده مقاومان هم کارهای تشکیلات انقلابی خیلی قوت گرفت و انتظام پیدا کرد. در نتیجه قوت فتحن جسریان انقلابی کارگرها فریب سی سال پیش از این فرقه با هم تشکیل یافت. تأسیس کنندۀ و راهبران فرقه لینین بود. از روز تأسیس خود این فرقه رنجبرها در کارهای انقلابی راهبری کرد، و در راه مبارزه های صفحی عموم رنجبران با تمام فعالیت کار کرد. حرکات انقلابی صفحه رنجبر سال از سال شدت میکرد. در سال ۱۹۰۵ میلادی بمقابل پادشاه، بمقابل صهول حکومت داری دولتمندان یک حرکت انقلابی سخت پیدا شد، همه مرد کاران کارخانه ها ترک کار کردند، خواستند که اصول اداره مملکت را دیگر کنند راه های

۲۸

آهن استاده شد، کارخانه‌ها از کارماند، حکومت و دولتمیدان  
در اضطراب و تداون در شهر ما می‌بزرگ و در بعض دهه‌ها درین حکومت  
درنجیران جنگها کی خوین واقع گردید.

در این میبا رازه بزرگ حصن و نجیر مملکت مغلوب گردیده  
حکومت و دولتمیدان باز غالب آمدند، چونکه بسیار ترین و هقانها  
در این حرکت انقلابی همراهی نکردند، پس پانده‌گی دهقانها اثر  
کرد، عکسر نیز آماده انقلاب نبود و تحت تاثیر حکومت بود.  
حکومت را مدافعت کرد.

این کشمکش و میبا رازه صنیع و نجیر و حصن دولتمیدان  
انقلاب اوکتا پر در <sup>۱۹۱۷</sup> میلاد دوام نمود و این انقلاب  
دولتمیدان را مغلوب و درنجیران را غالب کرد.

۲۹

## جنگ عمومی و انقلاب روسیه

دولتمند این روسیه میخواستند که برای ترقی تجارت و صناعت خود خاک مملکت را دست داشت و همین پاز مملکت‌های دیگر را تصرف نماینده بخود تابع کنند. این نیت در سال ۱۳۲۲ هجری در جنگ عمومی داخل شدند با فرانسیس و انگلیس اتفاق کردند، بمقابل جزمنی فرانسه و تورکیه بجنگ آغاز نخودند. جنگ برای کشید، قوت دولت مملکت در راه جنگ صرف کردند. تلافات عسکر روسیه روزانه ۵۰ میلیون ریال داشتند. حکومت روسیه پانزده میلیون ریال برای دادن جنگ بخدمت عسکری به ده بود.

معلوم بود که برای صنف رنجبر از این جنگ فائیده حاصل نخواهد شد. در این جنگ غالب آیده یا مغلوب گردند بهر حال مصافت نصب زمینه ایان بزرگ صاحبان کارخانه‌ها، فابریک، تجارت خانه‌ها، بانک خانه‌ها بود. این گروه در همه وقت تنگی و سختی احوال فقری رنجبر را در نظر نمیگرفتند، بد دوام داشتن جنگ را طلب مینمودند.

۳۰

تسلیل اتهای انقلابی درین مرد کار عسکر و دیقان کا رکردند.  
 فهایند نمکه این همه خون ریزی ها بای منفعت دولتمدان است.  
 مرد کار و دیقان عسکر مبالغ حکومت برخواستند و در ۱۹۱۶ میلادی  
 یعنی در ۱۳۲۴ هجری پادشاه رسیده امپراطور نیکالاسی را ازتحت برآمدند،  
 دولتمدان دیدند که اگر در آن لحظه مبالغ مردم انقلابی بطور اشکار قیام  
 کنند، کار ادارهٔ مملکت از دست دولتمدان خواهد رفت، چنین تهی  
 را اختیار نمودند که خود شان را در ظاهر بخدمت انقلابی از طرفداران انقلاب  
 و آزادی معرفی کردند، ازتحت برآمد اختن پادشاه را تصویب  
 نمودند و با این راه ادارهٔ مملکت را بدهست خود گرفتند و در باطن جزت  
 میکردند که انقلاب را زودتر خواهوش کنند. و تحریبه این انقلاب  
 ادارهٔ مملکت باز بدست دولتمدان بماند، حکومت نو بای درستی  
 احوال مرد کار و دیقان و عموماً صنف رنجبر همچویک کاری نمکرد.  
 جنگ را بردوام داشت، خرابی و پریشانی صنف رنجبر روز از روز میباشد  
 از آن روزی که حکومت امپراطوری سقوط کرد و کار بدست  
 دولتمدان گذشت، فرقه باشیک و راهبران فرقه لین میگفتند که:

»، این کسانی که ادارهٔ حملکت را بست خود گرفته‌اند، همه از صنف دولتمدان‌اند، از خرابی و پریشانی صنف رنجبر اینها بسیغ غمی ندارند، تازمان یک صنف رنجبر ادارهٔ حملکت را بست خود نگیرد، اصول اداره که موافق منفعت و خیریت صنف رنجبر باشد، بوجود نخواهد آمد».

هر یاه هر روز که میگذشت راستی سخن باشوکیها روشن تر میگردید، اعتقاد عامهٔ رنجبر در حق فرقهٔ باشوکی زیادتر میشد.

در تحت تأثیر نگی و سختی زندگانی هم تبلیغات و راهبری فرقهٔ باشوکی صنف رنجبر بمقابل حکومت دولتمدان راه انقلاب را پیش گرفت.

مردکارهای کارخانه، علم انقلاب را برداشتند، همهٔ دهقان رنجبر دعکر با صنف مردکار همراهی کردند.

در آن روزهای شعارهای سرمشق و دستور حکمهٔ رنجبران انقلابی بود «نیست باد حکومت دولتمدان»، حکومت را بست شورای مردکار دهقان و عسکر باید واد، جنگ را تمام باید کرد، زمینهای دولتمدان به دهقانهای بی زمین داده شود، فابرکیهای بانک یا تجارت خانه‌ای دولتمدان ملک عامهٔ ملت باشند».

۲۲

در این مبارزه صنفی دولتمد ان از مقابله و مبارزه کردن را <sup>۱۴۹</sup>  
 آمدند و در ۲۵ ماه اوت ابر ۱۹۱۷ میلادی صنف رنجیر حکومت دولتمد ان  
 را برانداخت، حاکمیت را بدست خود گرفت و حکومت سورایی را  
 تشکیل کرد.

از ساعتی که صنف رنجیر حاکمیت را بدست خود گرفت قدم بقدم  
 مقصدهای صنفی خود را به قع اجرانگذشت، تمام کارهای خود را از نظر  
 نظر صنف رنجیر تشکیل کرد.

حکومت سورایی به همه دولت های جنگ کشند تکلیف نمود که با هم  
 های برابری صلح کشند. متغیر های سابق رو سیه قبول نکردند. دو  
 شورا خود تنها تی صلح کرد. عهد نامه هایی که درباره تقسیم کردن توکریه  
 ایران را فنا نهادند حکومت ایپرا طوری با متفقان حربی خود بسته  
 بود، حکومت شورا همراه اینکار را از عتیبار ساقط اعلام نمود.

فرضیایی که برای صرف جنگ دستیکام دارند حاکمیت صنفی خود  
 حکومت ایپرا طوری و حکومت دولتمد ان از سرمایه داران فارجی گرفته  
 بود. حکومت سورایی اعلام نمود که آن فرضی را حکومت صنف رنجیر خواه

۳۳

پرداخت . حقوق و امتیازاتی که دولتمدان خارجی در روسیه شنیده  
کوئت رنجران نیز قبول نخواهد کرد .

اچنین طلبانی که حکومتهاي سابق روسیه از تورکیه ، ایران و  
چین داشتند همه را بخشید . از هم امتیازاتیکه در آن مملکت ها  
کوئت ایپرا طوری داشت از هرگذشت ، محمد نامه هایی که حکومت  
ایپرا طوری با آن دولتمها بسته بود حقوق سیاسی اقتصادی آنها را  
زیر پا کرده بود ، همه را ساقط از عضویت شمارید و در بستن محمد نامه  
های دیگر به اساس برابری اقدام کرد .

تضییقات و سخت گرسی هایی که بنا بر سبب تفاوت ملی و دینی در حق  
غیر روئس ها در زمان گذشته مرعی بود همه را لغو کرد . رنجران همه  
ملت و مذهب را در کاراداره مملکت حقوق برابری بخشید و امکان  
داد که هر ملت با رضاوخواش خود طرز حکومت داری خود را تعین  
نماید و اگر لازم داند مختار است که از جمهوریت شورای روسیه نام  
 جدا شود .

زین های زمینداران و دولتمداران را گرفت . بدینهاي بی زمین دار

بانک ها ، فابریکاهای تجارت خانه ها را تصرف کرد ملک ملت اعلام نمود  
 زمینه اران بزرگ ، دولتمندان شرود دهه علمای دین را از حقوق  
 اداره کردن مملکت محروم قرار داد . این سیاست ، این اقدامات  
 حکومت شورایی ، دولتمندان داخلی و خارجی را در اضطراب آورد .  
 سرمایه داران داخلی و خارجی دیند که این جریان صنفی انقلاب  
 میتواند که عالمگیر کرده در تمام دنیا حاکیت دولتمندان را زیر وزیر  
 کنند . و بنابراین بمقابل حکومت شورایی همه راه مخالفت و مبارزة  
 اختیار نمودند . منصب دارهای حربی و ملکی حکومت ایمپراطوری  
 زمینه اران بزرگ ، صاحبان کارخانه و تجارتخانه ها ، علمای دین  
 از رویس و غیر روکس همه بخلاف حکومت رنجبران برخواستند .  
 حکومتهای دولتمندان خارجی خصوصاً انگلیس و فرانسه  
 با تمام هستی خود بحکومت شورایی به مملکت رنجبران بچوام آوردند .  
 بدسته های عکس انقلاب داخلی روکسیه مدد کردند .  
 از طرف دیگر کیم قیام عمومی صنفی رنجبران برپاشد ، مردکاران  
 همه خابریکاهای دهستان های رنجبران از رویس و غیر روکس برای دانش

۲۵

حاکمیت صنفی خود در مبارزه خوین اقدام نمودند .  
 رنجبران نمی خواستند که برای فائدہ دولتمدان جنگ کنند ،  
 از جنگ بیزار بودند . اما در این جنگ صنفی که برای نگهداری  
 حاکمیت صنفی خود قبول نموده بودند ، با کمال مردانگی هستاده گی  
 کردند . در این ایام مبارزه تنگی و خرابی مملکت گرسنه گی د  
 سختی عالیه رنجبر روز از روز افزونتر میگردید ، اما این همه تشکیلات  
 عزم و میانت صنف رنجبر را نه شکست کنم نکرد .

در سایه موفقیت و کامیابی های رنجبران رو سیمه جریان نقله  
 بین اهلل قوت گرفت . رنجبرانی که در مملکت های ثروتمدان زندگانی  
 میگردند از موفقیت های انقلابی رنجبران شورایی باخبر شده جرت  
 باقیند . بمقابل حکومت های خود نیز راه انقلاب را پیش گرفتند .  
 در نگهداری حکومت شورائی کوشش کردند .

عسکرانی که از طرف دولتمهای سرمایه داران برای نیست کردن  
 حاکمیت شورائی فرستاده شده بودند ، بمقابل حکومت شورایی جنگ  
 نکردند . حکومتهای دولتمدان مجبور گردیدند که از مملکت شورائی

۳۶

دست کشند ، ترک جنگ کنند . سرما یه داران داخلی نیز از  
مبارزه و مقابله عاجز آمدند ، حاکیت شورایی استحکام یافت ،  
حکومت شورایی در راه ترقی و اکتشاف اقتصادی و مدنی صنف  
رنجبر اقدام نمود .

## اثر انقلاب در تورستان

در نتیجه از تحکم براند اختن پادشاه روسیه ، در تورستان هم  
حرکت انقلابی بوجود آمد ، گروه دولتمدان روس و مسلمان کار  
اداره مملکت را پست خود گرفتند .

دولتمدان تجد و خواه بجا را نیز خواستند که کار اداره مملکت را  
به اختیار خود گیرند و نفوذ و تأثیر خود را بیافزایند ، آنها میخواستند  
در امور مملکت بعضی اصلاحات اجرا شود اما امیر و اطرافیان کننه  
پرست اوین را قبول نکردند ، حصول این مطلب را امکان ندادند .  
از انقلاب فیورال از سقوط حکومت امپراطوری صنف رنجبر  
نیز استفاده کرد ، کارهای تشکیلات انقلابی رنجبران توت فیت .

۳۷

در میان رنجبران روس و محلی نزدیکی و یکجنبه زیاده شد .

در تورستان هم صنف رنجبر مقابله حکومت نو دولتمندان مبارزه

میکرد و در این مبارزه فرقه باشوبک را هبیری مینمود .

در نتیجه این انقلاب او کتا بر در تورستان هم حکومت نو دولتمندان

افتاد کار بدست صنف رنجبر گذشت . در اینجا هم صنف دولتمند

مقابله حاکمیت رنجبر راه مخالفت را پیش گرفتند .

زمینداران بزرگ دولتمندان شهر ده به منصب داران حکومت ساختند .

علمای دین از روس و مسلمان یک اتحاد صنفی بوجود آوردند .

با تشکیلات های علکس انقلابی داخل روسیه یکجنبه گردیدند ، حکومت

انگلیس هم بیاری این گروه رسید ، امیر خواراهم با این هاده

بود . این دسته ، این قوت علکس انقلابی که از طرف دولتمندان

روس ، یهود ، ارمنی و مسلمان تشکیل یافته بود ، دعوی محافظت اسلام

را کرده و با این راه مردم را فریبته خود میکرد .

مقابله این گروه علکس انقلابی که دولتمندان همه ملتها تشکیل کرده

بودند ، صنف رنجبر مملکت نیز با هم گیر اتحاد نمودند ، از رنجبران او ز

تاجیک، تورکان، قرغز، قزاق، روس کیک قوت از علاجی وجود  
 آمد. همگی دست بدست یکدیگر داده حاکیت صنفی خود را معرفه کردند.  
 دائره مبارزه صنفی و سعی یافت، رنجبران بخارا و خیوه نیز هر چی  
 کروند. حکومت امیر بخارا نیز اتفاق داشت، امیر با فغانستان گرفتار شد.  
 خاک تورکستان جمهوریت ہائی سورائی تورکستان، بخارا و خیوه  
 برپا شد. آنها کی حاکیت را از دست داده بودند، تا تو ائمه  
 مقامه و مقامبله کردند، مبارزه صنفی بد رججه رسید که طرفداران حاکیت  
 دولتمدان باسمه چی ہا، زن و کودکان و ہمایوں رنجبران را میکشند.  
 قتل عام ہائی میکردند، خرسن و خانہ ہائی رنجبران را میخوشن.  
 با این همه سختی، صنف رنجبر تا ب آورد، مبارزه کرد غالب شد  
 راه صنفی خود را اجرکرد، تمام مال و ملک دولتمدان بجزیره ملت تعلق  
 یافت. زمینهای زمینداران بزرگ را به مقام ہائی کم زمین دلبی زیب  
 داده شد، در آمد زمین ہائی اوقاف را بکار نداشتگان فقر نخشمیده شد  
 تمام کار ہائی سیاسی، اقتصادی و مدنی مملکت موافق مسقت صنف  
 رنجبر تشکیل یافت، بست صنف رنجبر گذشت.

بعد از آنکه صنف رنجبر حاکم خود را مستحکم نمود مسئله تشکیل  
کردن جمهوریت های ملی را پیش گرفت و در نتیجه حل کردن این  
مسئله جمهوریت شورائی تاجیکستان بوجود آمد.

### برپاشدن جمهوریت های ملی در آسیای میانه و بوجود آمدن جمهوریت تاجیکستان

وقتی که حکومت ایران امپراتوری خان های توکستان را مغلوب کرد  
قسم بزرگ خاک توکستان را بی داسطه در تحت اداره خود گرفت.  
قسمی را در زیر عنوان تابعیت ایران خواراد خان خیوه گذاشت و بواسطه  
آنها اداره کرد.

اما تقسیمات حدود را چنین تعیین نمود که اتحاد وزدیکی ملت های آسیای  
آسیای میانه را امکانی نماند. بعد از انقلاب اوکتا بر مردم آسیای  
میانه تو انتزند که امتیازها وجود ای های ملی را محظا نمایند. جمهوریت های  
ملی برپا نمایند در سال ۱۳۲۳ هجری بجا ای جمهوریت های توکستان  
بجا را دخیوه جمهوریت های ملی تشکیل نمودند. حدود های این جمهوریت ها

۴۰

موافق منافع ملی خود تعیین نمودند.

در مستملکه سابق امپراطوری جمهوریت های آزاد اوزبکستان تاجیکستان، توکمنستان، قرقستان و قرغيزستان بوجود آمده طلت هایی که در م JACK سیاست امپراطوری پوشان و پراکنده بودند در داده جمهوریت های ملی خود بهم پویستند.

جمهوریت تاجیکستان که از جهت اقتصادی و مدینی خیلی پس از آن بود چون یک جمهوریت مختار در داخل جمهوریت اوزبکستان بماند، و قریب پنج سال زندگانی این جمهوریت در جزء اوزبکستان گذشت. در دهت این پنج سال در زندگانی اقتصادی و مدینی تاجیکستان چنان یک تبدلات بود که اگر احوال تاجیکستان را در زمان ایران نماید و از حالت پنج سال قبل آن داقع باشید بی ختیار خواهیست که این ترقی تاجیکستان محیر العقول است.

دو سال اول زندگانی تاجیکستان در راه برپا کردن هیئت مملکت، نیست کردن باسمه چی ها گذشت. در آخر سال ۱۳۴۵ چریخ تاجیکستان از غارت باسمه چی ها پاک گردید. هیئت در مملکت مستقر شد.

۴۶

دانجمن یکم شوراهاي رنجبران تاجيک جماعت نمود، راههاي اكتشاف  
اقتصادي و مدنی مملكت را معيين نمود، حکومت مرکزی خود را انتخاب کرد  
از آن روز حکومت تاجيکستان تمام قوت دستی خود را در راه ستحکام  
دادن حاکمیت صنفی ترقی و اكتشاف اقتصادي و مدنی مملکت مصروف  
داشت. رنجبران تاجيکستان از همه کارهای بيشتر در تقویت و ستحکام  
حاکمیت صنفی خود کوشش کردن.

علدار و منصب داراني که در زمان امير زمام اداره مملکت را  
در دست خود داشتند، زمينه اران کلان و تجارت و عملاني که چهول  
حکومت داري دولتمندان را حمايت میکردن، همه را از حقوق اداره  
کردن مملکت از حق انتخاب و سنتخاب گردیدن محروم کردن، همه را از  
کارهاي اوادره راندند، بيرون کردن.

حق اداره کردن مملکت را به صنف رنجبر منحصر ساختند از  
دهه گرفته تا برکن جمهوریت، همه مأمورها را به راههاي حکومت دولت  
از طرف صنف رنجبر از میان صنف رنجبر انتخاب کرده میشوند.

در نتیجه این انتخابات که در هر دو سال یکبار تکرار میشود،

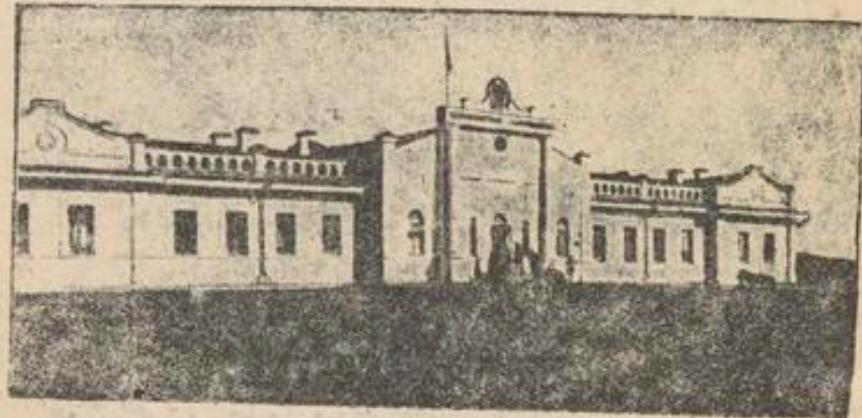
۴۲

تمام اداره و کار مملکت بدست انتخاب نموده گان صنف رنجبرگان  
آنها لی که چند سال پیش از این مردواری مرد کاری داده  
سیکرند ، امروز باکمال مهارت و توانایی کارهای مهم  
مملکت را اداره میکنند .

مثلثه رئیس کمیته اجرایی ایشان که با صلطاح مأمور است  
جمهور است . رئیس شورای کمیسرهای اشان که با صلطاح ما  
رئیس وزرا است . کمیسرهای عدلیه ، معارف ، داخلیه  
حربیه ، مالیه ، تدرستی ، زراعت اشان که با صلطاح  
وزیرهای این وزارت خانه ها اند ، همه از فرزندان رنجبر  
انتخاب بکرده میشوند . رئیس جمهور رئیس وزرا و دیگر وزیرهای  
اشان در اجمنهای شورای درزد و کلای مرد کار و دهقان ها از  
کارهای حکومت و دولت حساب میدهند . اگر کار و خدمت اشان را  
شایسته شمارند بکار اشان مینامند و گرنه بجا های اشان از میں  
رنجبران دیگری را انتخاب میکنند .

٤٣

## خانه حاکیت صنف رئیسه



کیتۀ مرکزی دهر ایشان مهدویت جماعی شورایی تاجیکستان

۴۶

حکومت صفت رنجبر قانونها و تشکیلات عدایه مملکت را نیز از نقطه نظر  
متقدت صفت رنجبر درست کرد.

در زمان گذشته شاه به باعث سبار محکم، دولت منه شروع داشته بود  
امروز سخن و شهادت یک رنجبر یک مزدور از شهادت آن شهادت  
با اعتبار سابق، مقدم داشته میشود.

در زمان گذشته محکم، قاضی خان را دولتمندان چون خان خود  
میشماریدند، میدانستند که حاکم و قاضی از جنس آنها است، قانون  
مملکت حقوق آنها را مدافعت میکند.

امروز احوال چنین شده است که فقیر عیت مردor با دیری تمام  
بمحکم شورای صنفی خود میرود، قبل از مرافعه میداند که سخن حق او را  
خواهند شنید و حکم بجانب او خواهند کرد، چونکه آنکس که میپرسد  
آنکس که حکم میکند نیز از رنجبران است، قانون مملکت حقوق رنجبر  
را مدافعت میکند.

دولتمندی که در زمان گذشته محکم را حامی خود میشمارید، در محکم  
عدایه شورایی با ترس دلزده میرود، میداند که این محکم صفت دیگریست

۶۵

قانونیکه چون دستور در اساس گرفته میشود، از نقطه نظر منفعت  
 صنف رنجبرنو شده است. بنابران مرافقه را خواه باخت بصنف  
 رنجبر درباره مدافعه و معاونت کردن وطن صنفی خود نیز اهمیت کافی دارد  
 از روز تاجیکستان در راه تشکیل کردن عسکر صنفی  
 خود اقدام نمود، امروز تاجیکستان دارای یک قوت مسلح صنفی  
 مکمل گردیده است که هر قسم های حربی پایاده، سواره توپخانی، پیمایشی  
 دوسته های کمیابی را داراست، از رنجبران تاجیک راهبران  
 حربی کومندان های ماهر سیده است، و بسیار جوانان تاجیک  
 در مکاتب میانه و عالی حربی مشغول تحصیل اند. این قوت عسکری  
 رنجبران تاجیک که جزو عسکر سرخ شوراء است، چون یک قوت مسلح  
 میکامل رنجبران شمار زیاده میشود.

برای تأمین نodon همیت و انتظام داخلی جمهوریت، رنجبران  
 تاجیک، میلیتیسیه منظم صنفی نیز بوجود آوردند.

در عسکر و میلیتیسیه جمهوریت تاجیکستان فرزندان رنجبر را قبول  
 میکنند، به مخالفان صنفی خود به فرزندان دولتمندان تیر و گلگت را

نمیه منه آنها را در صفت عکسر صنفی خود قبول نمیکند . رنجبران تاجیک  
میدانند که بدون ترقی و اکتشاف اقتصادی و مدینی بهبودی و درستی  
زندگانی صنف رنجبر میسر نمیشود ; بنابرین با یک سلسله تدابیر های  
ممم در درستی این کار با اقدام نمودند : محافظت کردن منتفعت صنف  
رنجبر را در کارهای خود اساس نمیکنند . خرابی مملکت ، و فقری عمده و  
را در نظر گرفته سه سال تمام خراج زراعت را به مقاومان بخشیدند .

بعد از آنکه احوال اقتصادی مملکت رو به بهبودی نمود در اخذ نمودن خراج  
و مقاومی اقدام نمودند : درباره خراج و مالیات مملکت چنین قوانینی  
وضع کردند که ، باعث رفاهی و درستی زندگانی و مقاومان فقیر و مبتلا  
حال گردد . از روی قانون خراج ده مقاومهای مملکت را به قسمی میکنند  
قسم اول ، ده مقاومهای که فقیرانه ها صلی که از کشت خود میگیرند برای  
آنین زندگانی اهل و عیاشان کفايت نمیکند ، این قسم را ازدواج خواجه  
ده مقاومی تمام آزاد میکنند .

قسم دوم ده مقاومهای که احوال زندگانی اشان نظر به قسم اول  
فی الجمله بهتر است . لکن آن اندازه که زندگانی اشان بخوبی گذرد ،

۴۷

در آمدند ازند؛ از مجموع در آمد و مهقانی این قسم دهقانها از صدی  
سه تا از صدی شش و هفت میگیرند.

قسم سوم دهقانی که در آمد کافی دارند، زندگانی اشان بخوبی  
میگذرد، از حاصل و درآمد اینگونه دهقانها از صدی شش تا از صدی  
ده میگیرند.

قسم چهارم دهقانی که در آمد بسیار دارند، درکشت و ذرعت خود  
مرد کارها چارکیک کارها پنج کیک کارها دارند؛ تمامی گرانی خراج  
با این گروه دهقانان عالم است. از درآمد و حاصل این قسم دهقان  
از صدی ده تا از صدی بیست و پنج میگیرند.

در زمان سابق چرس دولتمند و صاحب عتیبار بود، از او  
کمتر میگرفته شد، در این زمان سیاست خراج مملکت تمام بر عکس  
آن است؛ همه سبکی و رعایت نصیب دهقان فقیر و میان حال  
همه گرانی نصیب دارا و دولتمند است، همین اساسی که در بازه خراج  
دهقانی عرض کردیم در دیگر مالیات و خراجهای جمهوریت نیز مرعنی است.  
جمهوریت تا جیستان هم مثل دیگر مملکت های مشرق زمین مملکت

۴۸

د همانی است . در زمان گذشته در اینجا از صناعت دکار خانه  
 نام داشتند نبود : بنابرین ترقی و نشاپ اقتصادی تاجیکستان  
 از همه کار زیاده تر داشته بتری کردند کارهای زراعت است :  
 رنجران تاجیکستان در مسکنهای ترقی کارهای دهمندی همیت بزرگ  
 میدارد . در این مدتبنج سال کار زراعت ملکت را خیلی ترقی دادند  
 و احوال عموم دهمندان را خیلی بهتر کردند .

زمینهای که در زمان گذشته ملک خصوصی امیر و نامورانش بود  
 همه را بعقاری فقریر به دهمندان رنجران تقسیم کردند و دادند : اچنین زمینهای  
 املاک دادوقاف را که در زمان گذشته قسم کلی حاصلش را نامور  
 امیر و علمای دین میگردند . همه را بکارنده گان رنجران گذشتند ،  
 من بعد بنام املاک دادوقاف از آنها کسی چیزی نمیگیرد .

خریدن و فروختن زمین را منع کردند ، چونکه همه خریدار دلخواه  
 و فروشنده فقراتند . در هر جا که خرید و فروش زمین معمول است  
 زمینهای خوب آهسته آهسته بست مردم دلخواه جمع میگردند .  
 همه زمینهای ملکت را ملک ملت قرار دادند ، هر کس که کار میکند بین

۴۹

باو و فرزندان او میدهند ، با این راه در زندگانی عموم دنیا نان یک  
بنیاد مستحکم اقتصادی گذشتند .

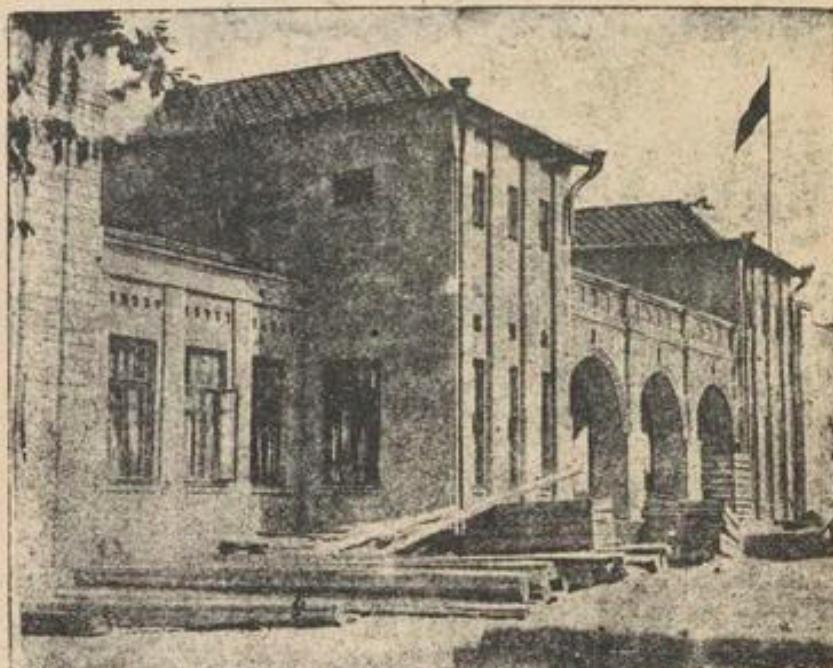
در تاجیکستان آب روای زمین قابل کشت بسیار است ، اما بسیار  
جوی ہائی که برای آب پایاری لازم است در نتیجه سیاست ایران ، ہل  
گردیده بی آب مانده است . حکومت تاجیکستان در بارہ جویا بی  
نو برآوردن در جویا بی باطل و خشک شده آب جاری کردن با جدی  
تمام کوشش نمود ؛ در مدت پنج سال قریب در یکصد و پنجاه هزار هکیتا  
زمین که بحسب مانعه صد هزار جریب میشود آب پایاری کرده جویا بی  
نو برآورده در این مدت به ده هزار خانه و از ده هفatan بی زمین و کم  
زمین از طرف حکومت زمین دادند ، آنها را بزمین ہائی نو آب پایاری  
شده کو چاینند ، بزرگیک با تمازه کافی مبلغی دادند که برای خود  
خانه درست کند ، گاو اسب و دیگر اسباب دهقانی بخواهند .  
از روی قرار حکومت تاجیکستان سال بازده هزار خانواده  
دهقان بی زمین و کم زمین ، از زمین ہائی که آب پایاری شده است ، زمین  
میدهند و زندگانی آنها را درست میکنند .

د همانهای تاجیکستان در کشت وزراعت اسباب‌های قدیمی را  
 کار سیفر نمودند، حصول زراعت ملکت صدها سال پیش از این حکومت  
 باشد بهمان حال نمانده بود، از کار فرمودن ماشینهای نو و مهندسی  
 د استفاده نمودن تجربه‌های علمی تمام بخبر محسردم پودند.  
 حکومت تاجیکستان در این باره نیز یک تبدلات عجیبی بوجود آورد  
 در جلب نمودن عالم‌های علم زراعت تشکیل کردن مؤسسه‌های علمی  
 زراعتی اگرانومی و تعمیم نمودن ماشینهای نو و همانی، با کمال جدی  
 کوشش کرد، و مردم تاجیکستان را در کار فرمودن ماشینهای دهنه  
 د استفاده نمودن از تجربه‌های علمی زراعتی آماده نمود؛ امر از هزارها  
 د همانهای تاجیکستان باشین‌ها، تراکتورها زراعت میکنند، از تجربه  
 های علمی در کارهای دهنه‌ی خود استفاده میکنند، کارهایی را که در همه  
 دهنه‌ها میکردند، با پارسی ماشین و علم، در مدت یک روز دور زمین میکنند  
 در زمان گذشته د همانهای تاجیکستان از سود خورهای قرض  
 های میگرفتند، و تنزیل بسیار میدادند، آخر از بارگران قرض بران  
 نتوانسته از زمین‌ها و خانه‌های خود جدا میگردیدند، همراه افزونه قرض

۵۱

خود را ادا میکردم : حکومت تاجیکستان احتیاج مردم دهقان را در نظر گرفته کیم بانک مخصوص برای بدهقانها قرض دادن تأسیس نمود.

نموده از عادت های پاری تحفظ محدودیت رنجیران تاجیک



دهقان سری : - بنایی است که از طرف حکومت رنجیران تاجیک برای تربیت و دهقانان رنجیر ساخت شده است

و شعبه های این بانک را در مده جا درین مردم دهقان تشکیل کرد،  
هزینه اداره این شعبه ها از طرف خود دهقانها تخفیف کرده میشوند که با مصطلح محلی « شرکت های قرض و دهقانی » میگویند .

این بانگ بسطه شعبه های خود هر سال میلیون ها بردم و همان  
قرض میده ، احوال اقتصادی و همان را در نظر گرفته مدت اداری قرض  
را نمیین مینماید ، و اچمین منزل را موافق احوال دهمان سالانه از  
صدی دو تا صدی شش میگیرد که برای تأمین نمودن مخارج مؤسسه بانگ  
و شعبه های آن کفایت میکند .

در سالها بی که مبارزه انقلاب شدت کرده بود ، بسیار عملداران ،  
دولتمردان ، طرفداران حصول حاکیت ثروتمدان بافغانستان گریختند ،  
واز مردم سرحدشین تاجیکستان باراه تشون <sup>آنچه</sup> ~~و تخدید~~ بسیار کسان را با خود  
بروند . رنجبرانی که بنا ک فغانستان رفت بودند ، حکومت خود مراجعت  
نمودند که باز بوطن خود آمدن آنها را تأمین نمایند .

حکومت تاجیکستان در این راه تجربه های جدی کرد ، قرارداد که  
رجبرانی که از افغانستان بوطن خود باز نمیاند ، آنها بازاره کفای  
زمین داده شود برای درست کرون خانه و خریدن سباب و همانی  
آنها مبلغ ضروری داده شود و در تمام حقوق اداره مملکت آنها را  
برابر و کامل حقوق شماریده شود . در نتیجه یاری حکومت تاجیکستان

بسیار از رفته گان باز بطن خود آمدند، هنوز در افغانستان قسمی  
مانده اند و همیشه کوشش میکنند که زودتر بطن خود بر سند، اما  
برای پس آمدن آنها در آن جانب مانع ها بسیار است.

در باره ترقی و انکشاف کارهای دینغانی مملکت اقداماتی که  
حکومت شورائی تاجیکستان بکار برد و نیکشید، نتیجه های نمایان  
بجایی، کشت مملکت در مدت پنج سال بیش از سه مرتبه افزود؛  
خصوصاً کشت پنبه و کار پلک اپریشم بسیار ترقی کرد، صادرات،  
چیزی که از تاجیکستان در دیگر جمهوریت های شورائی و ممالک خارج  
میبرند سال از سال میافزاید.

پنبه، غله، اپریشم، محصول مال چارپاداری، میوه قسم عده  
 الصادرات تاجیکستان را تشکیل مینماید، دینغانی تاجیکستان  
از فروش محصول سعی خود میلیون ها میگیرد. حاصلات تاجیکستان  
هر قدر که افزایی همان قدر احوال عامد دینغان بهتر، در آمش  
بیشتر میشود، در این بابت تاجیکستان و عموماً جمهوریت های شورائی  
یک خصوصیت دارد که در مملکت های غیر شورائی دیده نمیشود.

چنانچه در مملکت های غیر شورایی هرگاهه زندگانی اقتصادی مملکت ترقی  
کند، صنعت اکشاف یا بد و دوامتندان دولتند تر فقیران فقیر تر می شود  
تفاوت زندگانی میان دولتندان و فقیران بسیار تر می شود، درجه و رتبه  
شورایی هر قدر که احوال اقتصادی مملکت خوب تر شود بهمان اندازه احوال  
رعیت فقره هبته می شود. رنجران کار تجارت مملکت را نیز بهتر  
اسس تشکیل نمودند.

در زمان گذشته کار تجارت مملکت بست تجارتها، حافظهها، جلاهای  
بود آنها کوشش میکردند که هر چیز که از مردم بخوبی ارزانتر بگیرند و هر چیز  
که بردم میفرمودند قیمت تر بفرمودند، در این معامله خرید و فروش  
مبلغ بسیار از جیب مردم مکبیسه تجارتها و حافظهها میرفت.

حکومت شورای تاجیکستان از طرف دولت تجارت خانه ها شکیل  
نمود و درین مردم بسیار شرکت ها بوجود آورد که با صفتلاح آن جا  
"کا آپرایوریف" میگویند، و با این راه مردم را از پنجه تجارتها، حافظه  
خلاصی بخشید.

امروز مردم تاجیکستان هر چیز که بفرمودند به تجارت خانه های دولتی

۵۵

و شرکت با میفر و شنید، خرد را نیز از آنها میکنند، نسخ خرد و ذری  
مال هارا از روی عتیصال تعیین میکنند، در این میان اگر فائدہ  
حاصل شود، در جیب دولت و شرکت های رنجبران میماند.  
تمام تجارت مهم مملکت بدست این تجارت غازهای دولتی و شرکت  
های رنجبران گذشته است. از این تدبیر حکومت تجارت‌ها، خاطر  
و لگیر و رنجبران خور سندانه.

در زمان گذشته تاجیکستان راه های منتظم نداشت، اسباب  
نقلیات با کشی بردن و آوردن مال های از شهر، اسب و خر عبارت بود،  
در بسیار جای های تاجیکستان از بدی راه رفتن عراوه ممکن نبود،  
بدی راه، گرانی کرایکی از منع های بزرگ ترقی و اقتصادی و مدنی  
تاجیکستان بود.

از روز تشکیل یافتن جمهوریت تاجیکستان حکومت رنجبران  
تاجیک درباره درست کردن راه های با کمال جدیت کوشش کرد  
و تمام سردم بحکومت خود هراحتی کرده؛ در نیمه مساعی، نسخ ساله رنجبر  
تاجیکستان دهد و گیر جمهوریت های شورایی این مملکت راه و نقلیات

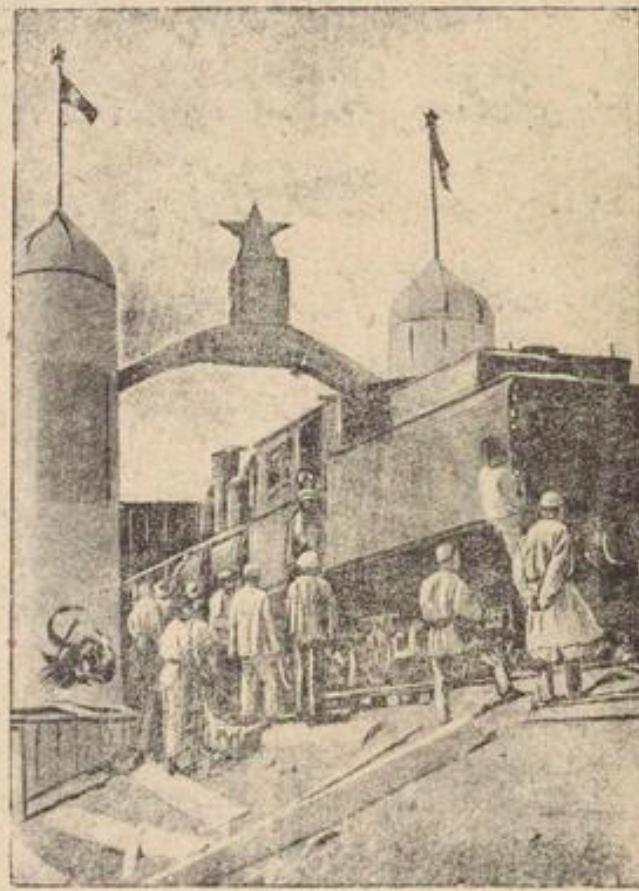
۵۶

خیلی اصلاح کرد . و موقیت های بزرگ را صاحب گردید ، راه آهن در مرکز در پایی تخت جمیوریت تاجیکستان رسید . از آنجا راه آهن را به سمت جنوبی میکشند ، ساختن راه دوم میکنند . در سیار جایی تاجیکستان خط راه آفتابیل کشیده شد . آن خط ها برای راه آهن پیوست . در تاجیکستان نقلیات هوایی تأسیس یافت با خدمت هواپیماهای تاجیکستان با نام جهان علامه گردید ، درین مرکز دولایت های تاجیکستان نیز خط راه هوایی تأسیس یافت ، کشتی رانی دریایی اموی خیلی ترقی یافت .

امروز راه آهن ، آیریلان ها ، کشتی های بخاری دریایی ، آفتابی و طیفه نقلیات را در تاجیکستان ادا میکنند ، این همه وسایط در راه ترقی و نجیران تاجیک خدمت میکنند .

در تاجیکستان اسباب مخابره پوچته - تیلگراف ، مادیا نیز تأسیس گردید : و خیلی بازودی تعمیر یافت ، نه تنها شهرها بلکه و به های بزرگ تاجیکستان هم امروزه ارایی شعبه های پوچته و تیلگراف است ، درینجا یهای تاجیکستان را دیا (بی سیم) کار میکنند .

اولین راه آهنی که برای بیرونی زندگانی صنف رنجبر در شهر ق  
ساخته شده است.



رسیدن راه آهن به پای تخت تاجیکستان واستقبال نودن رنجبران  
تاجیک اولین ماشین را که به پای تخت اشان رسیده است.

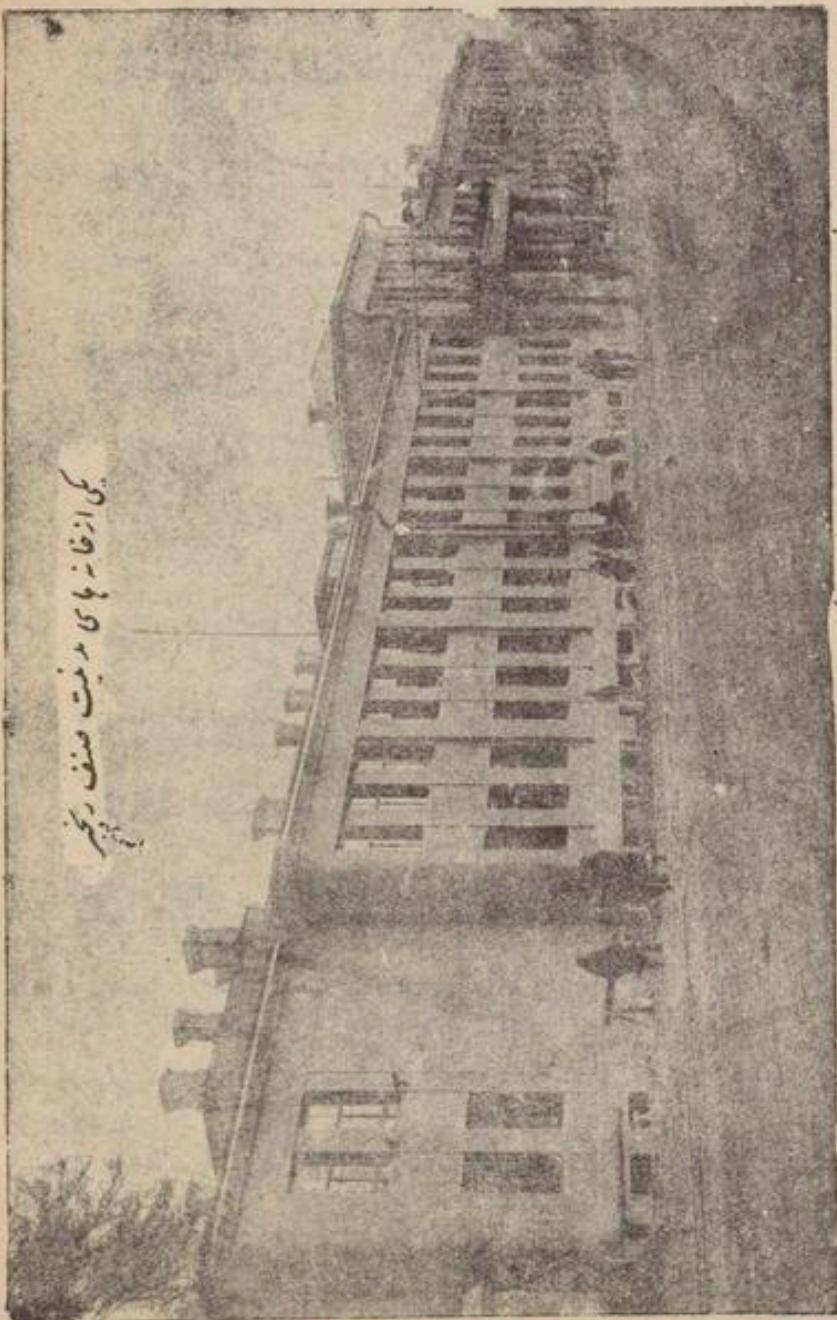
درست شدن راه ها آسانی نقلیات ارزانی کرایه بودن و آوردن  
مالها در زندگانی تاجیکستان بزرگ گردید؛ امکان بخشید که بجز  
تاجیکستان در تأسیس نبودن صناعت ملکت خود اقدام نمایند؛ در  
مدت کوتاه کارخانه هایی؛ پنبه تازه کینی، روغن کشی، صابون سازی  
استان سه های چمنغ برق که ساخته شده است از میست عدد بیشتر است.

امال در تأسیس فابریک با فنده گی بزرگ، کارخانه ای برشم و بنای  
استان سه ایکتاریک آبی که قوت شش هزار سب را دارا نخواهد شد  
اقدام نمودند. صناعت تاجیکستان هم مثل کارهای زرجهت اش  
باکی نزدیکی حیرت افزایی میکند. پرای او ایه کردن راه های آهن  
آیریلان ها، فابریک ها از فرزندان بجزیره تاجیک، میخانیک ها  
نیخانیک ها، ماشینیست ها، مهندس ها حافظ میشوند.

در راه ترقی مدینت و معارف بجزیره حکومت تاجیکستان هم  
و سیلہ ها را استفاده میکند، کوشش میکند که هر چه نزد بجزیره را  
از تاریکی جمامت بروشناختی برآورد. این کار را کمی از وظیفه های اسکنا  
خود میشمارد.

معلوم است که در زمان حاکیت دولتشد ان بی علمی و نادانی مردم  
این ملکت بر جهات شمار رسیده بود . سه سال پیش از این در تابع  
تحریر نفوس سرشماری مردم را اجرا نمودند . باین مناسبت معلوم  
شد که در تمام دهه های تاجیکستان هفت هزار مرد و یکصد و هشتاد  
نفر زن با سواد بوده است ؛ در چنین حالت پیش بودن کارهای  
معارف تا چه اندازه مشکل است پر طاہر است .

حکومت رنجبران تاجیک با یک عزم متین در راه پیش بودن  
کارهای معارف قدم گذاشت . هرچیز که در داروه امکان بود همه را  
در راه معارف صنف رنجبر استفاده کرد . باخواج بسیار از خواجه  
جمهوریت معلم با طلبید و با یک زودی فوق العاده از مردم تاجیک  
معلم های بسیار رسانید . قسم مهم مخواج بودجه دولت را در راه معارف  
تخصیص کرد . مخواج هم کتاب های را از طرف دولت تأمین نمود . مدار  
خود رئی دپوشید فی طلبه گازرا از خزینه دولت داد . ساعی حکومت  
ثمره کلی نباید . شماره طلبه کافی که در مکاتب جمهوریت شورای آزادی  
مشغول تحصیله . اسال بچهل هزار رسید :



کی از خانہ های دینت صنف نخست

بانکی درالعلوم پیغمبران تا چک، درین بنا تربیت کیزار فخر زمان صنف رخپر و مصلی علمند شنوند.

۶۱

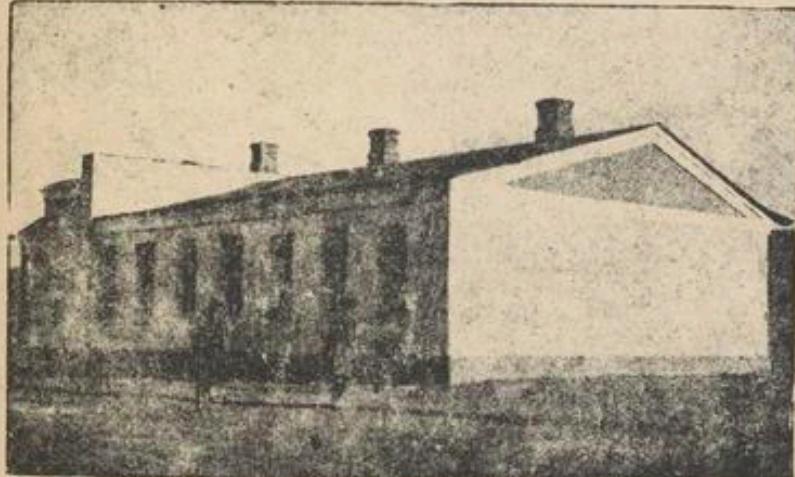
بیش از یک هزار طلبه تاجیکستان در خارج تاجیکستان در مکاتب  
میانه و عالی با محابی دولت مشغول تحصیلند، در مکاتب عالی زرعت،  
طب، هندسی، حقوق وغیره شماره طلبه گان تاجیک سال از نیاز  
میافزاید؛ این همه طلبه گان که علم و هنر کسب مینمایند، همه از فرزند  
رخبرانند، مکاتب و معارف تاجیکستان برای تقویر صنف رخبر خود  
میکنند، هر کس که صاحب علم و معرفت شده درین صفت رخبر برای صنف  
رخبر کار میکند.

رخبران تاجیک در تأسیس کارهای مطبوعات، تألیف و ترجمه نیز  
اقدامات بزرگ کردند؛ بنام «اداره نشریات دولتی تاجیک» مؤسسه  
تأسیس نودند، از طرف این اداره مطبوعه های مکمل بوجود آمد؛  
قابل ترین مؤلف و متصرف حجم پارا از هر طرف طلبیدند، در نیجه رسی  
این مؤسسه کتاب های بسیار بزرگ فارسی، تاجیکی تألیف، ترجمه،  
و نشر گردید. در هر یک از شعبه های علوم، هندسه، جغرافیا  
طب، جغرافیا، تاریخ زبان وغیره کتابهای فارسی بوجود آمد،  
سال از سال داره تألیف ترجمه و نشریات فارسی تاجیکستان و سعی می یابد.

۶۲

نژدیک است آن روزی که در راه پیش بردن مدنیت و معارف رنجبران  
پارسی گوی عالم، تاجیکستان رهبری کند؛ از مدنیت رنجبران تا جمیع  
ما نیز مستفید و بهره درگردیم.

حکومت رنجبران تاجیک تعلیم و تربیت فرزندان دیگران رنجبر را از مهمترین وظایف های  
خود می‌شمارد.



نمود کیم، از مکتب های که در دهه های دور دست تاجیکستان ساخته اند.

کار حافظه، تدرستی پیش از تشکیل جمهوریت تاجیکستان تمام متروک  
بود، حکومت میر در این باره همچوی اقدامی نمیکرد، در نتیجه کوشش

۶۶

رنجبران تاجیک مردم همه شهرها و دهه های پنجم تاجیکستان  
 دارای شفاخانه ها و دادخانه های است؛ آخرین نجسیه های طبی  
 و جراحی عصر حاضر در شفاخانه های تاجیکستان بعمل گذاشته شده است.  
 معالجه دمادی همه بیماران نجسیه از طرف دولت رایگان کروه میشود.  
 شماره بیماری های گذرنده، بیماری کودکان سال از سال کم میشود.  
 حکومت شورایی تاجیکستان در ضمن حل نمودن مسند های  
 اقتصادی و مدنی در سوی مسائل ملی و اجتماعی نیز اهمیت بزرگ دارد،  
 مبارزه و محضت میں ملت ها را باشتنی و برادری ملی مبدل ساخت.  
 پنج کیم مردم تاجیکستان غیر تاجیک اند، ملت های اوزبک  
 قرقیز، قرغيز وغیره منسوبند، رنجبران این هر ملتها در اداره مملکت  
 برابر هر ای میکنند، در راه برداشت احوال اقتصادی و مدنی جمهوری  
 با برادران تاجیک خود برابر کوشش میکنند. از همه موفقیت های مملکت  
 برابر استفاده میکنند؛ جدائی دین و ملت به اتحاد صفتی باشند گا  
 تاجیکستان پنج کشور و تفاوتی نمیکند، حتی رنجبرانی که از مملکت های غیر  
 شورایی به جمهوریت تاجیکستان آمده اند و میایند، آنها را نیز شرک

۶۶

دولت میشاند، آنها نیز در انتخاب حکومت تاجیکستان انتخاب میکنند، از رجیان ایران، افغانستان و هندوستان بسیار کم هستند که عضو حکومت تاجیکستان نمایند؛ دراداره کردن جمهوریت با برادر تاجیک خود همراهی میکنند، قسمی از آنها در کارهای زراعت و صنعت مشغولند، قسمی در مکاتب شورایی تحصیل علم میکنند، تاجیکستان را دلن صنفی خود میدانند، با کمال آزادی و خوشبودی زندگانی میکنند. در نتیجه تدبیر و سیاست حکومت تاجیکستان درین همه ملت ها یک دوستی و برادری صمیمی قایم گردید.

در مسئله تربیت و حقوق زنان موفقیت های تاجیکستان نیز بسیار در زمان گذشته زنها را مثل مال میخریدند، میفر و خستند، زن از هر حقوق انسانی محروم بود، زن را تنها آلت عیش و عشرت میدانستند. حکومت شورایی تاجیکستان بخلاف این عادت و این عقیده مبارزه ساخت کرد، در تمام مسائل اقتصادی، مدنی و سیاسی زن را یک عفو کامل حقوق مملکت شناخت؛ در انتخاب شورایی واداره مملکت زن های رجیان تاجیکستان با مرد ها برابر همراهی میکنند.

در های مکاتب و مدارس تاجیکستان برای زنها تمام کشاده است  
از زنای رجیم تاجیک معلمه ها، محرره ها و راهبران اداره مملکت رئیسه  
در تاجیکستان قبل از رسیدن پس منع نکاح کردن، بی رضای  
دفتر ارشاد دادن، در بالای یک زن دیگر گرفتن منوع است.  
در جمهوریت تاجیکستان زن یک عضو آزاد و صاحب حقوق جمهوریت است  
شیخ کامیابی های تاجیکستان را با این قدر اختصار میکنیم.  
خواستگان گرام آنها گردد احوال گذشته تاجیکستان را میدانند  
خواهند گفت: معلوم است که تاجیکستان یک مملکتی بود پس از این  
مردمش فتحرد ناتوان، و فتحه غارت و تاریخ با سمه چهبا - طوفان  
اصول حاکمیت امیر باز خراب تر و مردمش فتحر تر گردید؛ و دخل این مملکت  
بجزش البته کفا یت نیکند، این همه کامیابی های پندرگ که بدون  
مخراج میلیون ها میسر نمیشود، برای تاجیکستان فتحر چگونه میگردد؟  
این سوال طبیعی است.

معلوم است که تاجیکستان جمهوریت اجتماعی شورائی است، بواسطه  
اوزبکستان در «اتفاق جمهوریتی شورائی» دخل گردیده است. و جزو

۶۶

اتفاق جمهوریت های شوروی میباشد . - اتفاق «جمهوریت های شوروی»  
 چه جمهوریت تاجیکستان هرگونه معاونت مادی و معنوی را مبذوله داشت .  
 در حدود پنج سال گذشته از خرینه مشترک «اتفاق» مبلغ پنجاه میلیون  
 روبل تاجیکستان معاونت نمود ، معاونت «اتفاق» در بازار تاجیکستان  
 سال از سال میافزاید . چنانچه برای مصارف سال جاری سال ششم  
 زندگانی جمهوریت تاجیکستان چهل میلیون روبل معاونت میکنند ، غیر  
 از این مصارف ساختن راه آهن و تامین محابی عسکر نیز از خرینه مشترک  
 «اتفاق» پرداخته میشود . در نظرخواسته بازیک سئله پوشیده  
 میماند ، خواه پرسید :

بنجیران تاجیک که از مدنت دور بودند ، پس یانده بودند ، این  
 چه مبارزه های صنفی را چگونه اداره نمودند ، غالب آمدند دور جمهوریت  
 خود چنین یک اصول اداره مدنی و صنفی را برپا نمودند ، و این چه مرت  
 ها را پست آوردند ؟

اگر خواسته وقت کرده باشد در صحنه های گذشته مانشان دادیم  
 در مورد انقلاب اوکتا بر راهبر صنف بنجیر فرقه باشیک کامونیست بود

انقلاب، و کتابه با راهبری این فرقه بوجود آمد و حاکمیت شورایی نجیر  
 با راهبری باشوکیپ هاشکیل یافت. سی سال است این فرقه در راه  
 آزادی رنجران دلمت های مظلوم کار میکند، در هر جا که صفحه رنجیر بیدار  
 و هوشیار میشود و درین آنها گردد انقلابی پیدا میگردد، آن گروه انقلاب  
 رنجران فرقه باشوکیپ کامنویستی را بوجود میآورد  
 از رنجران فعال و انقلابی جمهوریت تاجیکستان بسیار مستند  
 که در فرقه باشوکیپ کامنویست داخل گردیده اند، تشکیلات این فرقه  
 عالم شمول در همه جای تاجیکستان موجود است. با راهبری این فرقه این  
 تشکیلات رنجران تاجیک در راه انقلاب مبارزه کردن فخرت فتحیه  
 حاکمیت صنفی خود را برپانمودند. امروز برجه رسیده اند که جمهوری  
 تاجیکستان یکی از جمهوریت های مستقل «اتفاق» میشود، نجمن سوم  
 شورایی تاجیکستان قرار گذاشت که تاجیکستان از جزو جمهوریت  
 اوزبکستان پراید، بوسطه در اتفاق جمهوریت های شورایی داخل گرد.  
 بنابرین بعد از این موقع تاجیکستان بزرگتر و همیشش بیشتر خواهد  
 تاجیکستان در سلسه جمهوریت های مستقل شوداید کیم عامل بزرگ

۶۸

مُنْفِي وَ اَنْقَلَابِي خَواهِهْ گَرْدَيْدَ.

خ

کامیابی ها فی که تاجیکستان را میسر گردیده است، جزئی است از کامیابی ها فی که تمام ملت های متفیع جمهوریت های شورایی را نصیب گردیده است.  
او زمکب ها، تورکمان ها، قرقیز ها، قزاق ها و دیگر ملت هایی که در خاک شورایی خندگانی میکنند، هر کیم جمهوریت مستقل و محترم را مالک آند  
هر کیم در راه اقتصاد مدینت موافقیت های بزرگ بدست آورده اند.

هرگاه سرگذشت این ملت ها را ملاحظه کنیم و با سرگذشت مردم هندوستان ایران و افغانستان اندازه کنیم کیم مشابهیت دیگرگی بسیار زیاد نیکی مشاهده خواهیم کرد. چه شد که باشندگان جمهوریت های شورایی در راه آزادی و استقلال چنین کامیاب بگردیدند، مردم هند، ایران و فنلاند از این کامیابی ها محروم نند؟ آیا استعداد و قابلیت فطری مردم هند، ایران و افغانستان ناقص است؟

ما بچ چگاه چنین گمان نمیکنیم؛ عقیده کامل داریم که اگر شرایط موفق فراهم آید، باشندگان هندوستان، ایران، افغانستان هم با یک

زودی حیرت بخش ترقی خواهند کرد، اما تأثیر و نفوذ خارجی امکان  
نیست که سهرا بیطی که برای سعادت این مردم لازم است فراهم آید.

و هنچ ترگویم؛ آزادی و استقلال مردم مستملکه با نیم مستملکه با جمع  
پریشانی دولت های سرمایه داران است؛ آزادی و استقلال مردم هند و  
ایران و افغانستان خرابی و پریشانی دولت سرمایه داران انگلیس را  
سبب خواهد شد؛ چونکه شوکت و حشرت دولت سرمایه داران انگلیس را  
مردم برخورد کارگر هند، مصر، ایران و افغانستان تائیم میکنند، هند وستان  
پس مانده و فقر خزینه بریتانیا عظیمی را پر میکند، و مقام مصر و هند  
نمگر سنه نیم بر هنره زندگانی میکند، از رنج و سعی آنها دارایی دولتند  
بریتانیا میافزاید.

از این است که سرمایه داران انگلیس میگویند؛ مردم هند پیغور بدر  
ز سیده اند که خود را خود اداره کنند؛ از این است که سرمایه داران  
انگلیس دشمن استقلال مردم مصر، ایران و افغانستان اند.  
یکی از مثال های زوییک سرگزشت یکساله افغانستان  
وطن من یک دوره مهم تاریخی زندگانی خود را میگذراند:

٤٠

۱- در افغانستان زندگانی کهنه بازندگانی نومبار زه میکند ،

ترقی کارهای معارف ، اکشاف تجارت ، تأسیس صناعت ، مرکزیت اداره

ملکت ، خواهش تجد و خواهان افغانستان - خواهش زندگانی نو است ،

کهنه پرستان این جمهور انسخونه هست .

۲- در افغانستان ملتهای گونگون هنر ، تاجیک ، هزاره ، اوزبک ،

تورکان زندگانی میکند . خیریت مردم افغانستان آنقدر میکند که درین این

ملت های بادری و برابری قائم باشد ، در کار اداره مملکت همه برابر شرکیت

باشند . یک ملت حاکم و یک محکوم نباشد ، یکی به یکی طلب نمکند .

۳- اکثریت مردم افغانستان دیگرانند ، سعادت افغانستان آنقدر میکند

زندگانی مردم دیگران بسیر و خوبتر شود ، خراج و مالیات دیگرانی سبک شود .

برومندی دیگران خصوصاً پنجم فقره محتاج آن هرگونه معاونت دیگری داده شود .

تمام کارهای مملکت چنین اداره و اجرای کرد و شود که عامله مردم دیگران راضی باشند .

درستی حل گردن و فیصل یافتن این سلسله های نیک بختی دیگران را این شیوه

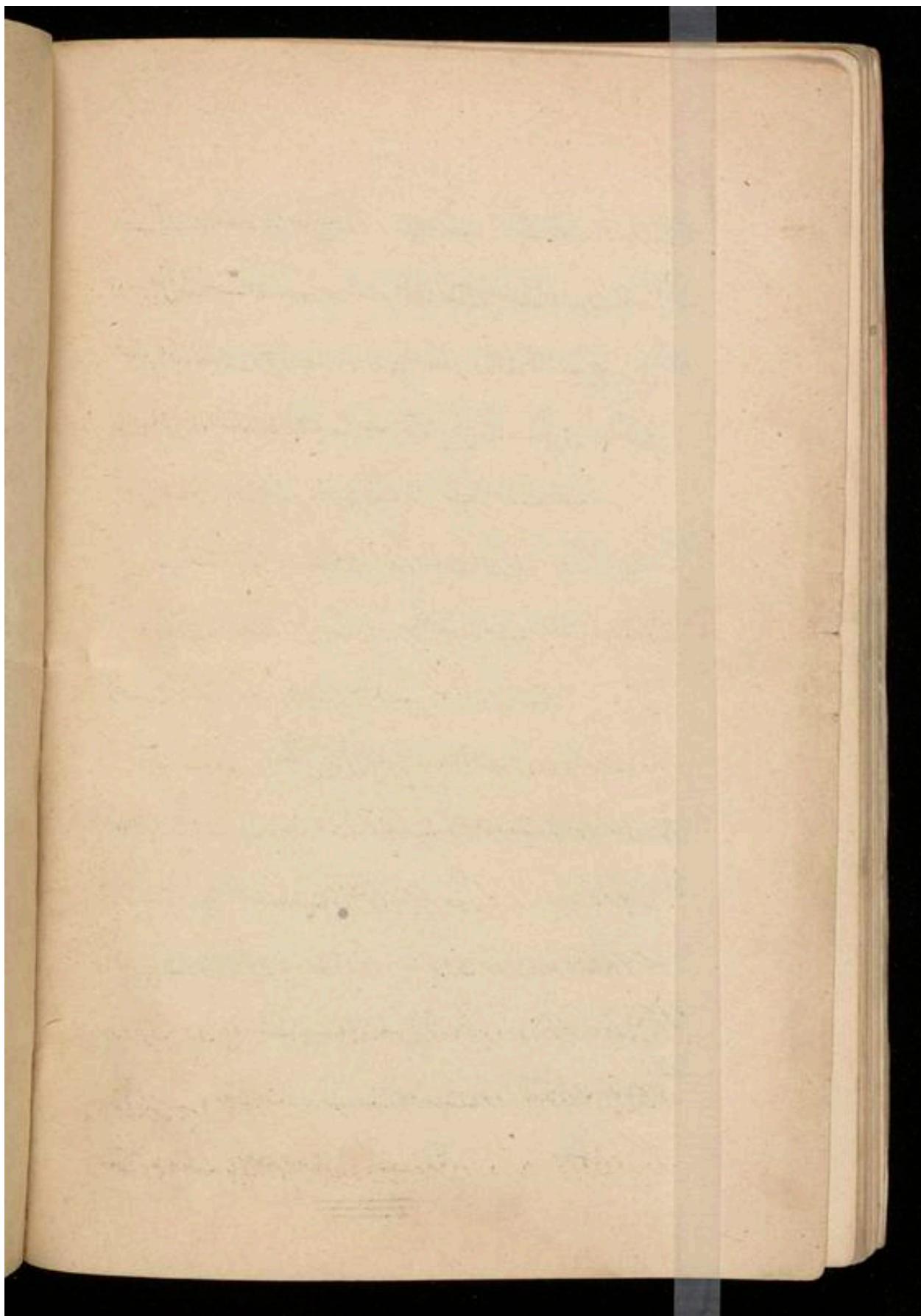
را این میکند . استقلال افغانستان را قوی میگرداند .

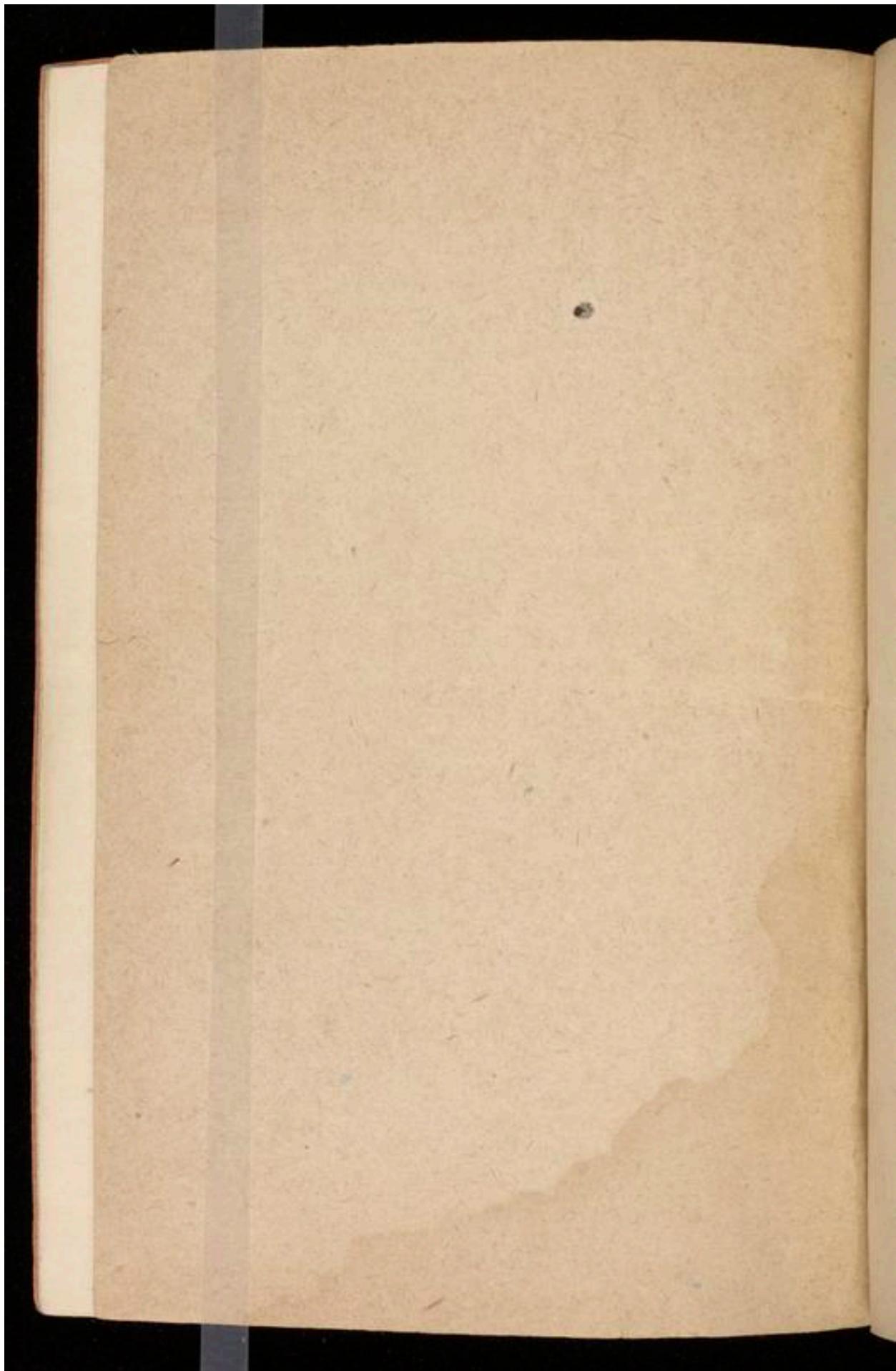
دولت انگلیس و شمن استقلال افغانستان است ، بنابران کوش

میکند که این سند نا مغلق بجایه دناتام ناند، تماشیک ناده و سبایا باز از  
در داخل افغانستان برده هم باشد، افغانستان ضعیف نتوان باشد استقلال  
حقیقی افغانستان بوجود نماید؛ از این است که دولت انگلیس خوزیزی حلب  
هاي داخلی افغانستان را طالب است، گاه به کمی، گاه به بزرگی مدد میکند،  
آتش فدا را بمند میکند. آخر هر کیم را فرمید هد.

سرگذشت تاریخی عربستان، هندوستان، تورکیه، ایران و فغانستان  
را با نظر دقت ملاحظ کنید، می بینید که در هر موقعیکه فلکت و پرشیانی به این مملکت  
رسیده است، دست و دستیشه انگلیس کار کرده است.

انقلاب اوکتا بر تشكیل یافتن جمهوریت های شورائی در سیاست دنیا یک  
انقلاب بزرگ آزاد است؛ فرقه باشوبک - کامونیست و جمهور تهیای شورائی  
در راه آزادی و استقلال ملت های مظلوم تا شیرازی دارد، هر دز که میگذرد علاقه  
و بجهتی ملت های مظلوم با اتفاق جمهوریت های شورائی و فرقه کامونیست  
سی افزاید، در هر جا شکیلات های انقلابی قوت میگیرد. و روز بیجات ملت های مظلوم  
زد بکثیر میشود، شبهه نیست که سرگذشت تاجیکستان وجود اتفاق جمهور تهیای شورائی  
صفه ها و ملت های مظلوم جهان را بکیم زندگانی نو و آزاد رهنمایی خواهد کرد.





Orient Verlag (G. m. b. H.)  
Berlin S. 14  
Alexandrinenstr. 62

---

*Joint*

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**